

لاریجان و مازندران و کبودجامه و استرآباد و قصران لشکر فراهم آورده بسمت دهستان تاخت .

«۴» در عهد حکومت مغولها مازندران بهفت تومان تقسیم شده بود : گرگان و موردستان یا موروستاق و استرآباد و آمل و رستمدرار و دهستان و روغد و سارستاق .
 « ۵ » قلعه بزرگ پناهگاه قارن و ندها که ایشان از زمان قدیم در تصرف داشتند فریم بود و آن مرکز عمده جمعیت شهر شمهار یا شهمار بود که در آنجا تنها مسجد جمعه این حدود وجود داشته است . رجوع شود به کتاب : لسترنج ص ۳۷۲ بجای شمهار شمهار نیز ثبت شده . ابن اسفندیار نام پریم و کمیم را هم ذکر میکند .

«۶» یاقوت اسم شهر تمار را در مرز خراسان ذکر نموده . بعد شرز و دهستان را ، بعد از الازد (الازد را با کوه الازد مقایسه میتوان کرد) و ندها هر مزد کوه و سپس کوه شروین بوده .

«۷» من راجع به کوهی باین نام تحقیقاتی کرده ام ولی اطلاعی بدست نیامد تا روزی که از کنار دریا در رانکو سفر میکردیم قلعه کوهی پوشیده از برف در پشت جنگل در سمت شمالی جاده نمودار شد . از راهنمای خودمان اسم آن کوه را پرسیدم گفت « سومام موز . » گفتم « یعنی کوه سومام ؟ » جواب داد « البته ما در ولایت خودمان کوه را موز میگویم . »

«۸» گملن در سال ۱۷۷۱ میلادی اسم سیزده ناحیه را برده است بندپی و علی آباد را هم علاوه می کند . تنکابن در آن موقع جزو کیلان بود و مشهدسر جزو بارفروش (کتاب گملن ۱۷۷۰ - ۱۸۸۴ در ۴ جلد)

« ۹ » از قلعه دماوند که بالاترین قلعه آن در حدود ۶۰۰۰ متر ارتفاع دارد و دردهای آتش فشانی آن را می پوشاند تا دامنه کوه ، چهار پنج ناحیه مختلف وجود

دارد . بین ارتفاع ۶۰۰۰ و ۴۸۰۰ متر کمترین اثری از گیاه دیده نمیشود . بین ۴۸۰۰ و ۴۴۰۰ متر بندرت بوته‌های خیلی کوچک و بیچیده روی سنگ‌ها دیده میشود در ۴۰۰۰ متری گیاههای خاردار شروع شده تا تقریباً در ارتفاع ۳۰۰۰ متری که کمی خار و کاج‌های کوچک تا حد یکنواختی تخت سنگهای آتشفشانی را از بین برده و در پایین آن ناحیه وسیع علفزاری است و بالاخره در حدود هزار متری جنگل درختان کاج و بلوط و چنار هست تا حدود با تلاق‌های دریای خزر که در آنجا شمشاد و درختان جنگلی میوه‌دار با انواع مو و گیاهان جنگلی مخلوط دیده میشود .
(مورگان ، مأموریت علمی در ایران در ۵ جلد چاپ پاریس ۱۸۹۱)

«۱۰» بعد از سلم‌رود مکنزی دو شعبه سید محله را ذکر نموده بعدشورا بسر سیگارود و باروش‌رود .

«۱۱» راه پشته و زوار کیله رامکنزی نام‌برده بین تیلپوردسر و ازرود همچنین نیرود بین چشمه کیله و تیلپوردسر .

«۱۲» هلمس کلارآباد را بعد از پلنگ رود ذکر نموده (کتاب وصف سواحل دریای خزر چاپ لندن ۱۸۴۵) .

«۱۳» مکنزی آنرا ارمنیج نام برده است .

«۱۴» بنا بر صورتیکه شرکت ماهیگیری لیانوزوف^۲ برای من فرستاده است ، مسافت بین نهرها و رودخانه‌های عمده از سفید تمیشه تا آمل به ورست (واحد طول در روسیه برابر با ۱۰۷۶ متر) عبارتند از سفید تمیشه . سخت‌سر^۳ ، سلم‌رود^۴ ، رماک^۲ ، سید محله (آب شور) ، ۵ ، بارش رود^۲ ، نیسه‌رود^۳ ، چالک رود^۱ ، شیررود^۶ ، آوسیا رود^۲ ، نیسه رود^۲ ، کریم‌آباد^{۱-۲} ، ۱-۲ مرز^۲ ، چشمه کیله‌نیم ، محمد حسین‌آباد

یا سنگر ۲، حاجی محله ۲، ولی آباد ۳، تیلپوردسر ۳، از رود ۳، نشتارود ۱، کاظم رود ۱۰، اسپ چین ۵، خرنک رود ۲، تیلرودسر ۲، گلور ۲، پلنکروود ۲، نمک آبرو ۲، نورودسر ۲، حچه رود ۳، سردابروود ۲، چالوس ۵، کورکروسر ۳، خاجک ۴، مشلك ۳، خیررود دزدك ۱۶، نورودبار ۱۴، بزوار ۱۴، علمده ۷.

« ۱۵ » این حرف چندان درست نیست فورستر (سیاح انگلیسی که در ژانویه ۱۷۸۴ در مازندران مسافرت نموده) میگوید « از يك نهر قابل عبور (در دوفرسخ و نیمی ساری) گذشتیم و آن بسمت شمال یا شمال غربی جاری بوده است و به رودخانه مازندران وارد میشود. وسایل نقلیه ما را در بین راه متوقف میکردند و بما میگفتند که با اسبهای خود اندکی سنگ همراه ببریم و آنرا در قسمت‌های باتلاقی جاده بزرگ بگذاریم. این جاده بین ساری و بارفروش بود که میگفتند اصلاً شاه عباس ساخته بود. ظاهراً از میان جنگل عبور مینموده و با آنکه چاله‌های عمیق در امتداد طرفین آن کنده بودند تا آبهای اضافی جاده را جذب کند، باز با اشکال فراوان و خطر بسیار عبور میکردیم. از کاروان ما در نقاط مختلف خواستار میشدند که سنگ‌های حصه خود را تحویل بدهند. و اگر کسی سنگی نمیداد از طرف مأموران دولتی بازداشت میشد (فورستر؛ مسافرتی از بنکال تا انگلستان در ۲ جلد لندن ۱۸۰۸).

« ۱۶ » رباط عشق در وسط دشت رباط در شمال غربی سنگ خواست در خراسان واقع است. رباط قرابل بارتفاع ۴۲۰۰ پا دهکده ایست در ۵۲ میلی بجنورد بین راه گرگان به استراباد. این ده دارای ده خانه است که در جوار خرابه‌های رباط سنگی ساخته شده. رباط اصلی توسط اسپهبد شهریار بن شروین تأسیس شد. رجوع شوده تذکره الشعراء دولت‌شاه چاپ براون لندن ۱۹۰۱ ص ۵۴-۵۵.

« ۱۷ » گفته اند که تپیری‌ها^۴ بین دریس^۲ و کرگان میزیسته اند. تاریخ

نویسان میگویند که بین تپیری‌ها عادت بر این جاری بود که زنهای شوهردار را به مردهای دیگر تسلیم میکردند. حتی این رسم در مورد زنانی که از شوهرشان دویاسه بچه داشتند نیز اجرا می‌شد.

در جلد یازده، فصل یازده، بند هجدهمی گوید «استرابن. در میان تپیری‌ها مردها لباس سیاه می‌پوشند و موهای بلند دارند و زنان لباس و موی کوتاه و کسی که از دیگران دلیرتر باشد با هر زنی که بخواهد ازدواج میکند.»

«۱۸» فریزر مخالف این عقیده است و میگوید «ولی نباید پنداشت که مازندرانها مردمی فقیر و ضعیف و نژادی ناخوش با جسمی ناتوان و دارای نیروی ناچیز روحی یا جسمی هستند اینحرف خیلی دور از حقیقت است.»

«۱۹» شاعری گفته است:

ملك طبرستان که در او فسق و فجور شامل باشد بحال برنا و ذکور

دانی ز چه دار مؤمنش میخوانند بر عکس نهند نام زنگی کافور

«۲۰» این امامزاده‌ها یا معصومزاده‌ها که در مازندران معروف‌اند. معمولاً

بنای گرد یا چهار گوش یا برجی مخروطی یا چند ضلعی است، با ارتفاع مختلف و

یک کنبند. باین برج‌ها یک اطاق بیرونی ملحق ساخته‌اند که محل توقف زائرین

است. درهای چوبی بسیار ظریف پوشیده از خطوطی از آیات قرآن، در امامزاده‌های

گیلان و مازندران و استرآباد دیده میشود.

«۲۱» از توایف مهم و فرمانروای مازندران که در تاریخ ابن اسفندیار نام آنها

ذکر شده مانند: باوند، قارن وند، سورحان وند، لارجان، مرزبان، استندار،

دابوان کولائیج، ولاشان، سعیدوها، اولان مہان، امیرکا و کبودجامه فعلاً اثری

دیده نمیشود. در زمان ابن اسفندیار بجای لفور و استرآباد و افراد قارن وند از اعقاب

پسر سوخرا بودند.

استندار جلال‌الدوله اسکندر ۷۳۱-۷۶۱ بسیاری از سکنه قزوین و همچنین عده کثیری از ایلات ترك مانند تبکی، قیچان، خراش، بهرامان، قراوقا، قولی تیمور، سرتیزی، ساروتی ترخانی (اعقاب حکام ترخان) و میران را به ری و شهریار کوچ داد. در سال ۸۰۹ هجری میرزا عمر ۲۰۰۰ خانواده مغول را از ری به مازندران آورد ولی مثل اینست که تمام این ایلات جزء سکنه اصلی محلی شده‌اند.

«۲۲» برای شرح این زبان رجوع شود به کتاب خود زکو A. Chodzko بنام نمونه اشعار ولایتی ایران ... Specimens of the Popula, Pesian چاپ لندن ۱۸۴۲ و کتاب دارن Beiträge zur Kenntnissdes و میرزا محمد شفیع اشعار امیر پازواری چاپ سن پترزبورگ ۱۸۶۰ و ۱۸۶۶ و کتاب «مقاله‌ای درباره لهجه‌های محلی مازندران و کیلان از روی تلفظ محلی... Essai Sur les Dialectes de...» چاپ ۱۸۶۸ و کتاب دومرگان «تحقیقاتی درباره لهجه‌های محلی ایران و آسیای مرکزی» Etudes linguistique... مطالعاتی در باره زبان که در مأموریت علمی اودر ایران درج شده در ۴ جلد. یادداشت‌های گرامری و لغت لهجه‌های مازندرانی، کیلکی، طالشی و کردی، افغان استرابادی و کلیمی کردستان و غیره».

«۲۳» یکی از ایلات مسیحی (طبرستانی بقول ظهیرالدین) موسوم به بنوناجیه را ابن اسفندیار گفته است که در زمان علی بن ابیطالب به مسیحیت رجعت کرده بودند مورد حمله قرار گرفتند و از بین رفتند. زنان و فرزندان‌شان به بردگی فروخته شدند در کتاب آسمانی (Assemani) کشیش ایتالیائی صفحه ۴۲۵- دیده میشود که توماس حواری و بعد نیز آگوس (Aegus) کتاب مقدس را به مردم گرگان تعلیم دادند و تا سال ۸۲۰ میلادی هم سعی مینمودند آنهایی را که تغییر دین داده بودند به عیسویت برگردانند. سونجال عیسوی اسقف کیلان و دیلم تعیین شد و دو تن دیگر به ری و طبرستان مأمور گشتند. کارداگوس نام کشیش کیلان و

کوهستانات بود .

« ۲۴ » حمدالله مستوفی در نزهةالقلوب مینویسد که بوسیله فیروز ساسانیان ساخته شد طول آن ۵۰ فرسخ بود در صورتی که دولتشاه در تذکرهالشعراء مینویسد که از آمل تا اییورد و مرو امتداد داشت و در سمت دیگر جیحون تا حدود فرغانه و خجند . سایکس دیوار بزرگ را سد سکندر میخواند .

« ۲۵ » هلمس منزروود و سیکر رود و حسین آباد را نام برده . راجع به منزروود نتوانسته‌ام اطلاعاتی بدست بیاورم دو نهر دیگر بایستی سیاه کله رود و قاسم آباد باشد .

« ۲۶ » دومورگان نام لپه رودبار و شیزه را هم ذکر میکند .

« ۲۷ » بعضی از ییلاقات سخت سر عبارتند : از اکره سرو گرسپه سر و پابین مازو و سله مال و جنده رودبار . محل اخیر و همچنین قلعه سردابسر از توابع ناحیه قدیمی کرجیان بود .

« ۲۸ » حوزه‌ایکه شیررود از آن میگذشت سابقاً به شیرجان معروف بوده .

« ۲۹ » مکنزی چاوش محله را در سمت راست آوسیارود و در چند صد قدمی

مصب آن نام برده ولی احدی از آن اسم در آنجا اطلاعی نداشته .

« ۳۰ » تنکابن یعنی « پابین تنکا » . تنکا شهری بود که در سال (۷۷۸۹ هـ) منهدم گشت .

در آن وقت قلعه‌ای بنام دزتنکا در محل شهر سابق بوده یکنفر انگلیسی که خرابه های قصبه را در جنگل تنکابن دیده بود نتوانست محل واقعی آنرا برای من بیان کند و خودم نیز نتوانسته‌ام کسب اطلاعی در این باب بنمایم . در صورت‌های مالیاتی دهکده بلده هنوز هم محل عمده تنکابن ثبت است .

« ۳۱ » کوههای دو هزار و عایشه بر و چاخونی و چلکی و دریاسر و دوگور و

گاواکل و کردکو و کوچه و کلدست و هبنه و هیان و ایجار و اریا و جال‌جالدرد

و کنگل چاه و خانه بن و کلاچاه و کلکته سر و کوره سر و لا کری و لا کتر اشان و لیلان و نیاردره و نوشا و نوار تله و پیشکوه و رابر و رواش و سر کلچاک و سر جرا و سیاه گله و سیاه گاو و سیاه گوده و سیاه کل و سیاهلن و تولی دشت و زلم و زردسر و کوههای سیاه هزار و سیاه کوه و تخت سلیمان و یتیم کش و کوه اشکور و آب انبار - کش و چاخانی و دوران و اسپه بنه و اسپه چن و خانه کیان و خشه چال و خشک و سل لرز، یخی کوه نهچی کوه و نطفه چاک و یلم دشت و شجی و شاه سفید کوه یامیان کوه و سیاه پله سرا و تنور کش و ترنگ سر، زرو .

«۳۲» مافتاح تنکابنی مؤلف « کتاب حکیم مؤمن » و « تحفه حکیم » دو کتابی که پزشکان ایرانی هنوز از مطالب آنها استفاده می نمایند به طایفه کلاتر تعلق داشته . « در تاریخ خانی » تألیف علی بن شمس الدین طایفه های مرشاند و چلیندان از طوایف تنکابن ذکر شده اند . ظهیر الدین اسم کا کو اردشیر یکی از کا کوان بزرگ تنکابن را ذکر می کند . از جمله کا کوان بزرگ تنکابن که در اواخر قرن هشتم هجری فرمانبرداری خود و طایفه اش را بر سید علی کیا ابراز داشته ، کا کو حسام خلایب و رستر کرجیان در سال ۸۸۷ در کتاب « تاریخ خانی » مذکور شده و همچنین کا کو دارای امیره بسال (۹۱۲ هجری) .

«۳۳» گملن در ۱۷۷۱ مینویسد که تا سال قبل از آن تنکابن مدت شش سال زیر فرمان ابراهیم خان عمارلو بود . بعد هدایت خان آنجا را از رستم خان عمارلو گرفت و با کسب موافقت کریم خان زند آنرا به گیلان ملحق ساخت .

«۳۴» مکیزی نام نیرو دو حاجی محله و تیلپوردسر و راه پشته و زوار کله راهم برده است .

« ۳۵ » نزدیک اسپ چین محلی بوده موسوم به دولادار (ابن اسفندیار

« ۳۶ » قلعه اسپه روزرا گفته‌اند که دیو سفید افسانه‌ای ساخته و در ۸۶۷ بدست ملك اسکندر تعمیر شد . بین آنجا و چلندر جنگل انبوهی پدید آمده موسوم به ورناباد . من نتوانستم محل صحیح قلعه اسپه روز را پیدا کنم از قلعه کجور راهی به قلعه اسپه روز از چناربن و چاه سر میگذشته . این چناربن بین راه طالقان به اسپه روز شاید همان اسپید جوی باشد ، که بنا بر اظهار ابن اسفندیار از راه دریا از چالوس تا آنجا در صورت مساعد بودن باد يك ساعت راه بوده است .

« ۳۷ » مکنزی امامرود ، مرزان کیله و قریه کوچک نوری کک و سرداب و دسر و محله گورمجان و ده بزرگ آورنگ را که در يك میلی دریا است نام می‌برد سرداب رجه بنظر همان سرداب و دسر است که ظهیرالدین ذکر نموده است .

« ۳۸ » الکبیره کویر است که ظهیرالدین نوشته و میگوید اسکندر برادر ملك حسام الدوله اردشیر بن نماورپس از مرگ پدر خود (۶۴۰ هجری) ، بر نائل و نواحی مجاور آن حکومت داشته و خود او شاهد بوده است که اسم اسکندر بن نماور را بر منبر مسجد کلویر که در آن زمان کویر خوانده میشد کنده بودند .

« ۳۹ » کجه ، کچه ، کجور ، کجویه یا کچوقصبه‌ای بود در رویان و قول باریه - دومی نارد Barbier de Meynard که گفته است آنجا کلار هم نامیده میشود ، خالی از اعتبار نیست . ابن اسفندیار اظهار میدارد که مصقله بن هبیره که مدت دو سال ضد فرخان بزرگ بجنگ پرداخت در راه بین کجور و کندسان مقتول و در دهکده چهارسو مدفون شد و قبرش در آنجا در عهد مؤلف مزبور زیارتگاه مردم عوام بود . چون گمان میکردند آنجا مقبره یکی از اصحاب پیغمبر بوده .

« ۴۰ » قصبه کلار تا آمل سه روزه راه فاصله داشته و تا ری دو روزه راه بوده و ری در جوار سرزمین کفارمانند دیلم واقع بوده و کلار اقامتگاه استندار شهریار بن یادوسبان گاو باره بود . در سال (۷۸۰ هجری) قلعه کلار وضع خرابی داشته و ابن

اسفندیار مینویسد دهکدهٔ دیلم نزدیک کلار است و میافزاید که اهالی آنجا بیش از بیست سال عمر نمی کنند. ظهیرالدین میگوید کلارستاق تحت فرمانروایی نصیرالدوله شهریار بن کیخسرو (۷۱۷-۷۲۵) به اوج آبادی و رفاه رسید. او قسری و قصبه‌ای و بازاری در کر کو ساخت که لابد همان کر کو است که در (۸۵۰ هجری) اقامتگاه ملک اویس بن کیومرث در کر کو کردن بوده و بدون شك همان کر کو یا کر کو است.

«۴۱» مکنزی مینویسد بعد از گنداب رود، تز کلاست.

«۴۲» کوههای جنوب چلندر عبارتند از: هشتادتن، قلعه کردن، چوماسان و

تلو کوتی. دهاتیان چلندر تابستان به ییلاقات برکان و بین میروند.

«۴۳» سکنهٔ ورزن از نژاد ترک هستند و از تربت حیدریه بوسیلهٔ فتحعلی شاه

بآنجا انتقال یافته‌اند.

«۴۴» سعیدآباد بوسیلهٔ سعید بن دعلج که از جانب منصور خلیفهٔ عباسی بجای

عمر العلاء حاکم طبرستان شده بود، ساخته شد سعید بن دعلج مدت کافی در آن مقام

مستقر نبود، تا بنای قصبه را با تمام برساند. این کار بدست جانشین او عمر بن العلاء

که مجدداً منصوب شده بود اتمام پذیرفت. در موقع قتل عام اعراب در طبرستان جان

عمر بن العلاء که با خلیفه المهدی میانهٔ خوبی نداشت از تعرض مصون ماند. تپه‌ای در

سعیدآباد در محل قصر اوست. در تاریخ خواجه علی روایی ملاحظه میشود که مقبره‌ای

که مورد احترام و عبادت سکنهٔ سعیدآباد بود به عمر بن العلاء تعلق داشته. در واقع

نیز کتیبه‌ای که بر قبر است حاکی است که آنجا مزار عبدالله بن عمر بن العلاء بن

عبدالمطلب است. سعیدآباد را نایب عبدالله بن حازم حاکم مازندران خراب کرد.

سعیدآباد بین راه از حسن کیف در کلارستاق به دهکدهٔ کیا کلاته نزدیک لاکترو واقع

بود. رجوع شود به کتاب ابن اسفندیار ص ۳۹.

«۴۵» سر کیله و نهر دیگر را هم مکنزی ذکر نموده که بین کولی رود و کونوسارود واقع بود .

«۴۶» مکنزی نهر تنشون را نام برده که کف پرسنگ داشت بین سولده و رستم رود .

«۴۷» این نهر که حدبین نواحی نوروآمل است قدری دورتر در جلگه ، علیشاه رود خوانده میشود .

«۴۸» ابن اسفندیار حکایت میکند وقتی که منوچهر بواسطه حمله افراسیاب ناگزیر به فرار شد از راه لاریبجان بجنکل تمیشه و بعد رستم‌دار گریخت . ظهیرالدین حدس زده است که جنکل تمیشه در ناحیه اهلم بود .

«۴۹» آمله دختر اشتاد بود . پدر و برادرش یزدان از دیلم آمده و نزدیک آمل اقامت گزیده بودند . یکی در آنجا قریه اشتاد و دیگری ده یزدان آباد را بنا نهاد . در یزدان آباد اسپهبد خورشید قصری بلند در کنار دریا برای زن اول و محبوب خود رمچه هرویه ساخت بجای دهکده اشتاد . رجوع کنید به ظهیرالدین که اشتاد رستاق را ذکر نموده . همچنین رجوع شود به تاریخ ابن اسفندیار ص ۲۰-۲۱ و ۱۱۵ .

«۵۰» این همان دروازه درجوراست .

«۵۱» عمر بن العلاء وقتی که برای مرتبه دوم از جانب خلیفه به ناحیه دابو در طبرستان فرستاده شد در آنجا قریه‌ای برپا ساخت در نزدیکی ونه‌بن و آنرا عمر کلاته نامید و قصر و بازاری در آنجا بنا کرد و قصر دیگری هم ساخت موسوم به عمر آباد که بین آمل و چالوس بود .

«۵۲» قصران شاید هم در حوزه رودخانه جاجرود بوده است . علی بن کاهه نایب اسپهبد شهر یار بن شروین بن رستم قلعه‌ای در قصران در کنار جاجرود ساخت .

درجور

آن جلگه در نتیجه به کوشك دشت معروف گردید و خرابه‌هایی که در آنجا تا پنج قرن پس از آن وجود داشته، خرابه‌های قلعه علی‌بن‌کامه بود.

«۵۳» این مسجد قدیمی دارای چشمه‌ای بود که آبش از کوه وندادامید می‌آمده.

«۵۴» غیر از اسامی محلات و عمارات آمل که قبلاً مذکور شد، اماکن ذیل هم بوده: کارگازر «محل رخت شویان» و کوشك جاوه‌لی، قصری که شاه اردشیر آنرا با خاک یکسان کرد (اواخر قرن ۱۳) و همچنین میدان رودبار باقلی‌پزان.

«۵۵» گملن که در ۱۷۷۱ مسیحی به آمل سفر نموده بود، مینویسد «معلوم میشود که آمل از تمام بلاد دیگر ایران بیشتر استحکام داشته زیرا ارک آن مخصوصاً هنوز موضع مستحکم خوبی است و برج و باروهای آن که از هر سو آنرا جهت دفاع آماده ساخته، در کمال صحت است.»

«۵۶» این پل اصلاً بوسیله یکی از شیخ‌الاسلامهای سابق آمل در اوایل قرن ۱۸ مسیحی ساخته شد. در اوایل قرن ۱۹ میرزا شفیع وزیر مازندران آنرا تعمیر کرد.

«۵۷» محله گورک، باغبان‌محله، خوش‌واش‌محله و اردشت‌محله و گالش-خیل که ملکونف نام برده بدون شك از محلات مزبور است راجع به محله تبجنه‌جار که مسجد گلشن در آنجا بوسیله سید زبدر (؟) ساخته شد راهنمای من اطلاعی نداشت. گملن در ۱۷۷۱ گفته است که آمل هشت محله داشت بقرار زیر: محله مشائپها، رودگر محله، چناربن، کهنه مسجد، آهانگر محله، کاردی محله، درزی محله و باجلو.

«۵۸» مقبره اصلی میرقوام‌الدین را اسکندر شیخی که امیر تیمور بعد از غارت

شهر در ۷۹۵ حاکم آنجا نموده بود با خاك يكسان کرد. سید علی که از ۸۰۶ تا ۸۲۰ هجری حاکم مازندران بود، امر داد عمارت موقتی برجای مقبره سابق ساختند که بجای آن يك بنای گنبددار برپا کردند. شاه عباس از اخلاف میر بزرگ از جانب مادر، معبدی را که هنوز هم موجود است بنا کرد سید علی آملی که در زاغ سرا در تنکابن در سال ۷۲۵ هـ وفات یافت نزدیک پدر خود مدفون شد. بسیاری دیگر از اعقاب میر قوام الدین در نزدیکی وی و یا در سایر قبرستان های اطراف آمل مدفون شدند ولی از قبور ایشان آثاری دیده نشده است.

«۵۹» یکی از اعقاب این درویش سید شرف الدین همزمان ابن اسفندیار بود و خیلی سعی کرد جلوی زیدی ها را بگیرد و مذهب امامی را در مازندران ترویج کند. قبر او در مدرسه سید امام خطیب مقابل مشهدس بود.

«۶۰» در سال ۳۱۵ هجری داعی الصغیر روی پل نزدیک محله علی آباد آمل کشته شد و در خانه دختر خود که در همان برزن بود او را بخاک سپردند.

«۶۱» این بدون تردید همان گنبد قدیمی است که در مرکز آمل محصور از درختان بوده که در کتاب هفت اقلیم تألیف احمد رازی مذکور و گفته شده است که در آنجا ایرج پسر فریدون مدفون شده بود.

«۶۲» راه جدید که در سال ۱۸۷۸ میلادی ساخته شد از کنار چپ رود هر از میگذرد راه قدیمی که آثار آن هنوز هم دیده میشود، از پرتگاههای سنگی در ارتفاع ۲۰۰ متر در بعضی جاها عبور نموده و بجای آنکه صخره ها را بپزند و از میان آنها راه را بگذرانند در کنار تخته سنگ ها ساخته شده بود و در محلی موسوم به تفنگا نزدیک و نه در راه جدید تصویری برجسته از ناصر الدین شاه در حالیکه دربارانش اطراف وی ایستاده اند بر روی سنگ کنده شده است. در کتاب مسالك والممالك مراحل راه بین ری و آمل بقرار ذیل مذکور شده است: بومهن ۸ فرسخ

پلور يك منزل ، كلالزل يك منزل، قلعه الارد يك منزل ، فرسپ ۶ فرسخ . از آمدن تا گرگان بشرح ذیل : میله دو فرسخ ، توجی يك منزل ، ساری يك منزل ، نمه يك منزل ، لمراسك يك منزل ، تمیشه يك منزل ، استرآباد يك منزل ، رباط حفص يك منزل ، گرگان يك منزل .

«۶۳» کوهستانات جلگه لار عبارتند از : عثمان کوه ، یانسر ، کمر دشت ، سرخك (شمال خشك رود) و سرخ مر . کوههای لاریجان که در نقشه ترسیم اشتال Stahl ودمورگان مندرج است عبارتند از : هنسان ، ماس ، بژم ، میان رود ، ترمومج ، کوه سرد ، بامسر ، بز کوه ، گیابندان ، گمدسی ، ملخ آباد ، مریار ، سیاه بند ، اوزون کوه ، زرد کوه .

«۶۴» در ۴۶۷ هجری قمری قلعه محکمی در لار وجود داشته و سیدفخرالدین بن قوامالدین مرعشی که نمیتوانسته لطمه ای بآن برساند (و ناچار به تسلیم آن شد) ، امرداد قلعه دیگری نزدیک آن بسازند که بر آن مسلط باشد . بنابر این محصورین مجبور به تسلیم گشتند . ولز از خرابه های قلعه کوچکی یاد می کند که در سر راه جلگه لار نزدیک وردگر قرار داشته و باقی مانده آثار بنایی سنگی در چشمه سفید بوده و سدی در راه جلگه لار تشکیل میداده است .

« ۶۵ » سفید آب بدون تردید همانست که ظهیرالدین اسپیی آو گفته است . « ۶۶ » در گردنه یالو رودخانه نور در سمت مشرق از میان انبوهی از تخته سنگ ها کداری بطور عمودی ایجاد نموده و راه سنگی باریکی تشکیل داده است و جلگه در سراسر راه تا بلده ناهموار و بسیار با صفا است . رودخانه پر از ماهی قزل آلا است . در بالاده رودخانه نور که از میان گردنه ای عبور میکند انحراف مستقیمی بسوی مشرق پیدا کرده در سنجاب برودخانه هراز ملحق میشود .

«۶۷» در زمان ساسانیان پادشاهی بنام سالیان به طبرستان پناهنده شد و

برای خود در محلی موسوم به کسلیمان اقامتگاه ساخت که بزبان طبری معنی «خانه» دارد. این بنا تا عهد ابن اسفندیار برجا بود. قلعه کسلیمان که ظهیرالدین نام برده اشتباه است باید قلعه کسلیمان باشد.

«۶۸» من گمان میکنم کلیپ اشتباه ناسخ باشد و صحیح آن کلیس است. دربند کلیس یا تنگه کلیس از عراق به کرد آباد در سواد کوه است همان تنگه گدوک میباشد.

«۶۹» اسامی محلات و مساجد و مدارس و تکیه‌ها و امامزاده‌های بارفروش از قرار ذیل است: محله‌ها: ابومحله، آقارود، آهنگر محله، عرب خیل، آستانه، استرآبادی محله، عطا محله، باب‌باقر ناظر، باغبان محله، بخشی محله، بیا کلا، بیدآباد، بیج ناجی محله، بی‌سرتکیه، چهارشنبه، چوباغ محله، دباغخانه پیش، درب شهدا، درزی کوتی، درویش خیل، درویش تاج‌الدین، دیو محله، گلشن، همزه کلا، حصیرفروشان، هتکا کلا، هزاربن، اسپت تکیه، کاسه کر محله، کلاج مشهد، خیابان چرم، کوره سر، لیلک محله، مسجد جامع، میان‌دسته، میان قطع، میشگا محله، میرزا کوچک، مرادیک، نجیب کلا، نفتی محله، پهناکلا، پنج‌شنبه بازار، قادریه محله، قراکلا، قصاب کلا، قاضی کوتی، راضیه کلا، رود کر محله، سرحمام آقا حسن، سبزمیدان، سید جلال، سید زین‌العابدین، شاه کلا، شاه‌زنگی، شمشیر کر محله، شعرباف محله، تکیه ارباب، طوق‌داربن، ترک محله، اوچابن، یهودی محله، زر کر محله.

مساجد و مدارس: مسجد علامه بامدرسه، آستانه یا آقاشیخ حسین، غن‌لیب، استرآبادی محله، چال، گلشن، حاجی حسین، حاجی جعفر، حاجی میرزاهدایت، حاجی سید حسن مولانا بامدرسه، حصیرفروشان، مسجد جامع کاظمی بیگی بامدرسه، مشهدی محمد خراسانی، ملامجید، نقیب کلا، پهنه کلا، قادریه بامدرسه، قهاریه

بامدرسه ، قره کلا ، قصاب کلا ، روحیه بامدرسه ، سیف الاسلام ، سقا ، ثقة الاسلام ، اوجابن یاملاحسین علی، زر گر محله یا شیخ عبدالرسول ومدرسه های حاجی ابراهیم ، صدر ، میرزا زکی .

تکیه ها : ابومحله ، آهنگر کلا ، آقاسیدربی، آستانه ، باب باقر، بیچ ناجی، بی سرتکیه ، چهارشنبه پیش ، درب شهدا ، درویش خیل ، گلشن ، حصیر فروشان ، اعتماد دیوان ، لیلک محله ، میزاهدی ، مرادیگ ، نقیب کلا ، نطفی محله ، نوعلم یا قره کلا ، پهنه کلا ، قصاب کلا ، راضیه کلا ، رود گر محله ، سبز میدان ، سرحمام ، سیدجلال ، شاهزنگی ، شمشیر گر محله ، طوق لاربن ، اوجابن ، زرگرها .

امامزاده ها : عبدالله در چهارشنبه پیش ، ابوالمعصوم در باب باقر ناظر ، بی بی آسیه خاتون ، هفت تن در جنوب بارفروش ، معصوم ، قاسم ، رکاب امیر ، سید جلال - الدین ، شهدا در بازار ، یحیی در کاسه گر محله .

« ۷۰ » بندر گاه آمل که رودخانه هزار در آنجا بدریای خزر وارد میشود قصبه کوچک عین الهم بوده ، که معمولاً اهلم نوشته میشود . بندر مزبور از جهت وسعت اهمیتی نداشت . سادات اهلم از بازماندگان فخرالدین بن قوام الدین مرعشی بودند .

« ۷۱ » دهکده لاریم در دومیل و نیمه مصب سیاه رود یا رودخانه لاریم واقع است . این دهکده بواسطه نهری که دارای پل خوبی برای پیاده و عبور اسبها است ، بدو قسمت تقسیم میشود . بین ده و ساحل دریا امامزاده کوچک محمود واقع است . ایلات قبیله جانبازسواد کوه در فصل زمستان با کله خود باطراف لاریم میروند . مکنزی میگوید که ایل جانباز هزار خانوار دارد .

« ۷۲ » درن مینوسد که راهی کوهستانی از فیروز کوه به بار فروش از راه تنگه واشی یا سواشی از آن قسمت از سلسله البرز میگذرد که به لیوت یا نفوت

معروف بود. او معتقد است که لیوت یا لفوت همان لبس یسا لبوتس قدیم و محلی است که امیر محمد بن سلطان شاه لاودی و سلطان حسن لاودی نام خود را از آنجا گرفته اند.

« ۷۳ » در این ناحیه در دهکدهٔ ماووج کوه فریدون ایام کودکی خود را گذرانیده. لفور بگفتهٔ ظهیر الدین در دامنهٔ سواد کوه است. سکنهٔ آنجا تابستان را در سواد کوه که چراگاه گله‌های آنهاست بسر می‌برند و مردم سواد کوه نیز زمستان را به لفور که در آنجا صاحب مراتع اند می‌روند. گیاهای بیستون که از نجبای ساری بودند، در لفور و سواد کوه املاکی داشته و در آن حدود اقامت مینموده‌اند. ابن اسفندیار اسم فیروز آباد را در لفور ذکر کرده است.

« ۷۴ » فرح آباد که سابقاً به تبونه معروف بوده و بوسیلهٔ شاه عباس در ۱۰۲۰ هجری قمری ساخته شد.

« ۷۵ » مکنزی مینویسد راه فرح آباد در ساحل غربی رودخانهٔ تجن قرار دارد. در سمت مشرق آن حمید آباد است که مسکن کرده‌ها و ایل جهان بیگلو بود. در سمت چپ آن محلی است بنام سوته. بعلاوه محل دیگری هست موسوم به اسفندین که در آنجا تپه‌ای وجود داشته. سپس او بدیهکدهٔ آبال و محلهٔ اکنند رسیده است.

« ۷۶ » در این امامزاده سلطان محمد طاهر فرزند امام موسی کاظم مدفون است

که کتیبه‌ای بتاریخ (۸۷۵ هجری) حاکی است که ساختن آن بنا بوسیلهٔ امیر مرتضی‌الحسینی (پسر سید علی و نوادهٔ سید کمال الدین بن میر قوام الدین آملی) شروع گردید و پس از او پسر او محمد و بعد از وی هم پسرانش عبدالکریم و عبدالرحیم بساختن آن پرداخته‌اند. این بنا در زمان امیر رضی الدین حسینی با تمام رسید نام استاد بنا مولانا شمس الدین بن نصر الله المطهر است.

« ۷۷ » ظهیر الدین مینویسد امامزاده امام دادرس نزدیک ساری و سر راه آمل

بوده . امامزادهٔ مزبور در جزیره‌ای واقع بود که فقط بوسیلهٔ قایق می‌توانستند با آنجا بروند .

«۷۸» بعقیدهٔ من سه گنبد همان گنبد چهار در است که بقول ابن اسفندیار برابر قصر پادشاهان باوند واقع و پادشاه اردشیر آن را جزو باغ شخصی خود نموده بود . این گنبد اصلاً بوسیلهٔ منوچهر ساخته شد . ولی در زمان اسپهبد خورشید گاو بره رو بخرابی نهاد . سپس تعمیر شد و بقدری مستحکم بود که امکان نداشت بتوان آجری از بنا فرو کند .

«۷۹» مساجد ساری عبارتند از: مسجد جامع با مدرسه ، مسجد سلیمان خان بامدرسه ، درمسجد ، امامیه بامدرسه ، مسجد رضاخان ، شاه غازی ، چال و مدرسهٔ مادرشاهزاده و نواییه . ملکوف نام مسجد و مدرسه حاجی مصطفی خان را هم ذکر نموده . تکیه‌ها عبارتند از : چهارتکیه در بیرون دروازهٔ بارفروش ، تکیهٔ نو یا بی‌سر تکیه ، شکرآباد ، نعلبندان ، میرمشهد ، محمد تقی خان ، بیرام‌تر ، شاه غازی بن ، عباس خانی ، شپش‌کشان ، ملا آقا بابا ، حاجی آباد ، محلهٔ اصفهانی سردروازهٔ استرآباد و تکیهٔ انبارنو .

«۸۰» ظهیرالدین مینوید : سید کمال‌الدین که از سال (۷۶۳ تا ۷۹۵ هجری) حاکم ساری بود ، در کنج انزوا در ماوراءالنهر مرد و در ساری مدفون شد و مقبره‌ای عالی برای او ساختند . غیاث‌الدین فرزند او را نیز در همان مقبره بخاک سپردند . سیدیحیی بن قوام‌الدین و سید اشرف بن کمال‌الدین ، نیز در ساری مدفون‌اند . ولی راهنمای من از محل قبور آنها اطلاعی نداشت .

«۸۱» ابن اسفندیار نام قبرسندی بن شاهک را که در زمان خلیفه عبدالله‌المأمون یکی از پیشروان شیعه بود ذکر میکند که در ساری در محلی که بعدها بانصری‌مشهد خوانده شد واقع بود . ملکونف خرابه‌های آماده خر مشاه را در دشت شعبان در مغرب

ساری ذکر مینماید .

«۸۲» ابن اسفندیار نام میدان و ظهیرالدین اسم رودخانه اترابن (افرابن) را در خارج دیوارهای ساری ذکر نموده اند . بعلاوه ابن اسفندیار میدان تاپان ساری را نام برده است . هیچ کس در آنجا از این نقاط که بشهر قدیمی ساری متعلق بوده خبری نداشت .

«۸۳» باید نام زاینده رود را نیز افزود که بلوک کوچکی در کنار رودخانه نکا است . این رودخانه در زیر پل خشک است . ولی قدری جلوتر ظاهر میشود زاینده رود نام دارد و بسه شعبه تقسیم و داخل دریای خزر میشود ، غربی ترین آنها نهر محمد کیله و وسطی گوهر باران خوانده میشود .

«۸۴» این نهر بدون شك دار رود (دار ارو) است که ناپیر Napier گفته که در شش میل و نیم مغرب نکا است .

مکنزی مینویسد نودهک که قریه ایست با ۴۰ خانوار جمعیت و گریلی ها و مازندرانی ها در آنجا مسکن دارند نزدیک جاده بین داراب کلا و امامزاده نکا واقع است .

«۸۵» دماغه هایی که بین این فرورفتگی های آب دریا در خشکی واقع شده اند ، از غرب بشرق عبارتند از : نفتچال (که همان نمک چال است) شاطرلنگه ، جنبه کوتی ، یعقوب لنگه ، میان کله ، یاغی کورک .

«۸۶» این قلعه را برای آن ساخته اند که از ورود و اشغال ناگهانی میان کله از طرف روسها جلوگیری کنند . ساختمان آن در حدود (۱۸۶۰ مسیحی) شروع و در ۱۸۷۳ تمام شد .

«۸۷» ناپیر مینویسد طول شبه جزیره ۱۲ فرسخ است که گفته اند از قلعه پلنگان سه منزل محسوب میشود بدین ترتیب : زردی ، مقیم و سرتوک . در قلعه روسیان

چهارمیلی غربی سرتوک، در امتداد ساحل اثر خرابه های قلعه روسی مشهود است که شاید مکانی است که استنکار ازین بسال ۱۶۶۸ آخرین مقاومت را قبل از ترك گفتن ایران نمود و یا قلعه ایست که کنت وینوویچ در ۱۷۸۱ بنا کرده. درن میگوید که اسم آنجا اروس قلعه و آن محل سابقاً جزیره ای بود.

«۸۸» چهار امام همان فریده یا قصبه ساحلی چارمان یا چهارمان میباشد که سابقاً شارمان یا شارمام نام داشته و ولاش، باو را در آنجا بقتل رسانید.

«۸۹» در زاغمرز بما گفتند که سرخ دیم هم چرا گاهی بود که در نزدیکی آن دو تپه یکی سنگ تپه و دیگری بادبان تپه قرار داشته.

«۹۰» ده کوسان که کنار رودخانه کوسان است در چهار میلی غربی اشرف میباشد. ابن اسفندیار مینویسد کوسان در پای قلعه آب دارا واقع بود. این قلعه بدون شك همان قلعه دارا (دزدارا) است که نزدیک آن قریه مرزبان آباد واقع بوده و گفته اند طوس نوزر که فرمانده لشکر کیخسرو بود قصبه ای در پنجاه هزار ساخت در محلی که معروف به کوسان بود و آنرا طوسان نامید. محل قلعه ای که او ساخته بود، هنوز تا زمان ابن اسفندیار در هنگامی که لومان دون خوانده میشد معلوم بود. کیوس جد باو (باقر) در این نقطه آتشکده ای ساخت. کوسان در قرن نهم اقامتگاه سادات بابلکانی بود.

«۹۱» گلمن میگوید آن قسمت از شمال ایران محصول پرتقال و لیمو ندارد و درختان اشرف را شاید شاه عباس از هندوستان آورده ولی معروف است که پرتقال های مازندران در زمان نصر بن احمد سامانی (وفات ۳۳۰ هجری قمری) وصف شده. بیهقی در سال ۴۲۶ هجری صحبت از باغ های پرتقال و لیمو که در مازندران دیده بود، نموده است.

«۹۲» باین اسامی میتوان خرابه های مسجد میرزا مهدی اشرفی و مدرسه

احمد ملا صفر علی را اضافه کرد. در مسجد جامع فرمائی از شاه سلطان حسین بتاریخ شوال ۱۱۰۶ هـ است که در واقع نظیر فرمانهایی است که در مسجد جامع لاهیجان و آمل دیده میشود.

«۹۳» در عباس آباد ۶ میلی اشرف اقامتگاه سلطنتی شاه عباس است که مسافران این حدود ایران اطلاع کمی از آن دارند در آنجا يك دریاچه مصنوعی است که آب نهر سارو و شاه کیله از آنجا سرچشمه می گیرد.

«۹۴» مکنزی بین یاسند و خورشید کلا نام دهات ذیل را برده است: خلیل خیل، زیکوند، کلاک و قلعه پایان.

«۹۵» در آن موقع سه جزیره بود یکی بزرگ که در سال ۱۸۴۰ میلادی قسمتی از شبه جزیره میان کله شده بود و دو جزیره کوچک. روسها جزیره بزرگتر را ارست و دو جزیره دیگر را اوژنی و اشک می نامیدند.

«۹۶» در تاریخ مازندران ظهیر الدین، تمیشه کوتی بانصران و تمیشه بانصران را ذکر میکند.

«۹۷» سابقاً قریه ای بود موسوم به الوند کیسا در مشرق خرابه شهر. بعضی از سکنه آن بدست تر کمنها بقتل رسیدند و بعضی دیگر پراکنده و عده ای از ایشان نیز در سر کلا در دو میلی آنجا ساکن شدند.

«۹۸» ده شصت کلا که لقب منوچهری شاعر دربار فلک المعالی از آنست - منوچهری تا ۱۰۴۱ مسیحی زنده بود - دیگر وجود ندارد.^۱

«۹۹» ما از تواریخ ذیل که راجع به استرآباد و کرگان نوشته شده است اطلاع داریم. این ده تاریخ استرآباد تألیف ابوسعید عبدالرحمن بن محمد الادریسی وفات ۴۰۵

۱- ابوالنجم احمد بن قوس بن احمد منوچهری دامغانی که گفته اند مداح فلک المعالی منوچهر بوده است ملقب به شصت کله نبوده. برای مزید اطلاع به صفحه ن دیباچه دیوان منوچهری که به کوشش آقای محمد دپرسیاقی بسال ۱۳۲۶ چاپ شده است، رجوع کنید. مترجم

و تاریخ استرآباد تألیف ابن الکاظم حمزة بن یوسف السهلی الجرجانی (وفات ۴۲۷) تاریخ جرجان تألیف همین مؤلف و تاریخ جرجان تألیف علی بن احمد الجرجانی الادریسی ، گویا تمام این آثار از بین رفته باشند .

زاده کارتاً بنا بر قول آریان Arrian برابر جادهٔ ارابه رویی که شاید همان استرآباد باشد که در جنوب واقع شده است بهترین و سهل ترین تنگه‌های سلسلهٔ بزرگ البرزاست پس روند کارتاً شاید همان کرد فارسی است .

«۱۰۰» محمدکاشی ترشیزی همدورهٔ بایسنقر میرزا در استرآباد در بیرون امامزاده معصوم که بنام نوح کوران معروف بود مدفون گردید . رجوع شود به تذکرهٔ دولت‌شاه سمرقندی چاپ پرفسور براون ص ۳۹۰ .

«۱۰۱» رسم هر حاکم جدید این بود که سکه‌های مس سلف خود را تغییر بدهد . در نتیجه ۵۰ درصد کاهش قیمت پیدا میکرد .

«۱۰۲» استرآباد را میتوان مهد خاندان کنونی ایران (قاجاریه در تاریخ تحریر این کتاب) خواند . فتحعلی خان که شاه طهماسب دوم به تحریک نادر او را بقتل رسانید اهل استرآباد بود . پسر او محمدحسن خان آنجارا پایتخت خود کرد (۱۷۵۲-۱۷۶۲ مسیحی) . حسینقلی خان پس از مرگ پدر خود به رامیان رفت و گوشهٔ انزوا اختیار نمود . در آنجا در واقع شش سال مستقل ماند تا آنکه بدست کسان خودش در سرخ دشت مقتول شد . آغامحمد خان در استرآباد بدینا آمد در خانهٔ سیدرضا مفیدی که از آنوقت به مولود خانه معروف گشت .

«۱۰۳» سایکس حکایت می کند که از بجنورد وی به سملقان رفت و در شاه آباد که مرکز عمدهٔ این دره است چادر برافراشت . بعد در ضمن عبور بدرهٔ چالباش رسید . قراطغان که در حدود ۵ میلی دشت است ، در کنار جنگلی واقع است . از

دشت به دهنه گرگان رود آمد. و در اشاقی که در وسط راه تنگه است چادر زد. این محل در نزدیکی آبادی بنام تنگه راه آثار قلعه‌ای بود که به تخت سلیمان معروفست. شغال تپه زمین بلندی است نزدیک نهر وصل به چکور مرکز عمده گرگان که سرزمین گوکلان هم نامیده میشود خرابه‌های مهم (شهر نو و شهرک نو) واقع است. سایکس در خارچادر برافراشت که در مجاورت آن خرابه‌های پرس در ۱۴ میلی کنبد قابوس قرار دارد. رجوع شود به مقاله سایکس در «سفر ششمین به ایران» مندرج در مجله انجمن جغرافیائی پادشاهی، ژانویه ۱۹۱۱.

«۱۰۴» سایکس مدعی است که قلعه ماران همان پایتخت دوم پارتها (اشکانیان) است که تیر داد ساخته و به دارا موسوم کرده که همان داریون^۱ یونانیها است.

«۱۰۵» عوفی مینویسد کبود جامه قبیله ای بودند ساکن بین استرآباد و خوارزم و شهری داشتند بنام شهر نو یا شهرک نو که خرابه‌های آن هنوز در سرزمین گوکلان دیده میشود. امیر تیمور در سال ۷۹۲ هجری از گرگان به سملقان از راه شهر نو و حورحآباد تاخت، کوه سار جزء کبود جامه بود. چنانکه قریه دل آباد (تیله‌وای فعلی) در کوهسرا دولتشاه سمرقندی در کبود جامه ذکر نموده و با احتمال قوی کلیایگان قسمتی از کبود جامه بوده. حمدالله مستوفی مینویسد کبود جامه شامل تمام گرگان پس از ویرانی کامل آن سامان میگرددیده.

«۱۰۶» در سال ۷۶۱ هجری ابوبکر شاسمانی که از طرف سربدال‌ها حاکم شاسمان بود، میگویند وی تصویر چهل تن سرباز مغول را بر دیوارهای قلعه‌ای که در آنجا ساخته بود نقش کرد. بعدها امیر تیمور قصری در آنجا ساخت و زمستان ۷۹۵ هجری را در آنجا گذرانید.

«۱۰۷» اسامی بعضی از دهات حوزه قدیم گرگان: آبندان، برکام، جرگان، جوغان، جوانگان، ماسورآباد، روشین، روك، روبین، زببخ نزدیک شهر، زوبین، سلیمانآباد نزدیک شهر، سلینه که گفته اند در ۱۲۰ میلی ساری از طریق کوهستان واقع است و جمعیتش بیشتر از سکنه گرگان بود و فقط چند خانواده ای هم از طبرستان در آنجا بودند. فیروز کند، کش (کج یا حص) در ۱۲ میلی گرگان بر فراز کوه مصقل آباد، ماقلاصان، مهرجمین و همیشه همه در نزدیکی گرگان، وزدول، وسگر در ۲۸ میلی گرگان متعلق به جردستان، ناسر یا ناسروده و هیان بیهقی در سال ۴۲۶ هجری محمدآباد را در نزدیکی کنبد قابوس نام برده است.

«۱۰۸» خلیج استرآباد را حمدالله مستوفی بنام نیم مردان ذکر نموده. جمعیت آنجا در قرن هشتم هجری بسیار زیاد و بندرگاهی برای کشتی های سراسر سواحل دریای خزر بوده و بندر در حدود سه ربع فرسخ تا شهر استرآباد فاصله داشته و قصبه مجاور آن که تجارت وسیعی داشته شهرآباد بود (ص ۳۷۵ Le Strange) و آن بدون شك جای بندرآبسگون را که در اوایل قرن هشتم از بین رفته گرفته بود. اکنون هم ده خرابه ای بنام امین آباد نیم مردان هست که قسمتی از کرد محله میباشد.

«۱۰۹» خرمارود که در نزدیکی خرابه های شهر قدیمی گرگان به گرگان رود می پیوندد، از سه نهر تشکیل میشود. یکی پسرک در حاجی لر که از کوه نیلی سرچشمه میگیرد و بنام چهل کیسو یا چهل جای معروف است. نهر تره (۹) که از دره چناشک و قانچی با دره پارسیان جاری میشود و دیگر نر صو که بقول اهل محل از املاک مربوط به نریمان جد رستم بوده است که از آن مشتق شده نریمانصو و بمرور زمان نر صو شده که نام کوهی نیز هست که در نزدیکی آنست. کانالی در قدیم آبرا از مسافت چهار میلی از خرمارود به باغات گرگان می برده است. این مطلب با شرحی که در ذیل صفحه ۱۲۵ داده شده است مطابق نیست.

«۱۱۰» قرنکی امام درزبان تر کمنی یعنی امام سیاه . دو امامزاده دیگر هم مورد احترام تر کمنها است یکی قزل امام یا امام سرخ نزدیک قاری قلعه در خاک روسیه و آق امام یا امام سفید بر رأس تپه‌ای نزدیک قریه نیلی در فندرسک میگویند این سه امام برادر بودند .

«۱۱۱» قلّه جهان‌نما ۸۹۰۰ پامرتفع ترین قلعه بین رشته جبال شاه کو (۱۳۰۰۰ پا) نیزوار است و در مسافت بسیار دور در جانب غربی هم غیر از قلّه دماوند بلندترین قلعه‌ها است . این کوه از ستون‌های سنگی و گچی تشکیل یافته و دامنه‌های آن پر از جنگلهای انبوه کاج است . فلات آن با ارتفاع ۶۵۰۰ پا است و جاده از استرآباد به چهارده از طریق تنگه صندوقه از آنجا عبور میکند .

«۱۱۲» چهارده (۶۵۰۰ پا) مرکب از چهار قریه است در دامغان در سه فرسخی جنوبی چشمه علی . این چهار قریه با هم در یکجا قرار دارند . اسامی آنها عبارتند از کشه ، که اکنون به خراب ده معروف است چون در اثر زلزله ویران شده ، زردوان ، ورزن و قلعه .

«۱۱۳» از بالای سنگلده سیلابی بطرف تخت سنگ سرخ فامی فرو میریزد که در رأس آنها خرابه قلعه قدیمی منسوب به جمشید دیده میشود (یادداشت های دوران اقامت در ایران ص ۲۸۴ بقلم استوارت)^۱ .

«۱۱۴» برد در دامنه رشته کوه‌های مازندران و مغرب دامغان است و درشش فرسخی این شهر قرار دارد جهت دره سرتنگ از شمال غربی بجنوب شرقی از بادله تا فولادمحله است . در شمال این دره گردنه ایست بنام تنگ شوراب در نقشه لاوت در شمال کوه سرتنگ و لنه و تلمه ، کرات ، هوات ، قلعه سر ، روس ، سوری و بادله دیده میشوند . قلعه سر واقع است بر تپه های کوتاهی در سمت شرقی دره سرتنگ و مشتمل است بر

تقریباً ۸۰ خانه و ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر جمعیت . زراعت خوبی در آن حدود دیده میشود و از هر نقطه زمین جهت کشت استفاده شده است .

«۱۱۵» چهارباغ (۷۱۰۰ پا) در دره‌ای واقع و محصور است به کوههای لره‌ولنده در شمال ورشته شاه کوه در جنوب .

«۱۱۶» قزلق قریه‌ای مخروب و گردنه‌ایست در ۱۴ میلی شهر استرآباد ، سر راه شاهرود . راجع باین گردنه لاوت شرح ذیل را ذکر نموده :

سر بالایی در واقع از ارتفاع ۳۴۵۳ پا از حوالی زیارت شروع میشود و راه از زیارت تا مراتع علی‌آباد در سه میلی آنجا (۷۶۰۰ پا) بسیار طولانی است و بهتر است در بلند سفاله توقف نمود . در ارتفاع ۴۷۰۰ پا کاروان سرای حقیری بنام رباط قزلق است . بلند سفاله که در آنجا چشمه‌ای هست در ارتفاع ۵۲۰۰ پا است . قبل از رسیدن به قله گردنه رباط دیگری است که برای مسافران در فصل زمستان که برف و گل فراوان باشد ، خیلی مفید است .

«۱۱۷» زیارت دهکده‌ایست در پانزده میلی جنوب استرآباد در شمال شرقی آن قله قلعه گردن ۶۰۰۰ پا و سمت جنوب سیاخانی ۷۲۰۰ پا و جنوب غربی قلعه‌لنده ۹۰۰۰ پا و شرق قلعه زباله است .

«۱۱۸» سهراب از نعوده به دشت یموت هست . جنوبی‌ترین آن خان دور و وسطی قرائبه و شمالی آن گردنه صادقانی است . راه باریکی از نوده به میانه سهراب طهران به مشهد هست که از ارتفاعات خرمالو شروع و بجلگه زردوا منتهی میشود .

«۱۱۹» بگفته مسعودی اردشیر بابکان مازندران را بین چهار اسپهبد که هریک از ایشان هم مرزبانی زیر فرمان خود داشته تقسیم کرده بود : مؤید و یس و رامین بر مازندران و خراسان از جانب بیری پسر گودرز بن بلاش اشکانی حکومت داشته .

«۱۲۰» فرمانروایان و امرای استرآباد عبارت بودند از: طغای تیمور فر مانروای استرآباد که بدست یحیی کرابی کشته شد. علی بوالقندر از جانب پهلوان حسن بحکومت آن ایالت منصوب شد. امیر ولی پسر شیخ هندو حاکم مستقل در ۸۵۴ هجری در سال ۷۸۴ به امیر تیمور تسلیم گشت و دو سال بعد بقتل رسید. پیر پادشاه بن لقمان بن طغای تیمور (۷۸۶-۹۰۹ هجری)، شمس الدین علی بن جمشید قارن (۸۱۰ هجری)، امیر هندو کا ۸۴۰-۸۵۳ ه، بابا حسین که بعد از مرگ بابر بحکومت منصوب و در جنگ نزدیک نسا در سال ۸۶۲ کشته شد. میرزا جلال الدین سلطان محمود از طرف پدر خود سلطان ابوسعید (۷۵۴ ه). عبدالرحمن ارغون از طرف میرزا سلطان حسین ۸۶۵. امیر شیخ زاهد طارمی ۸۷۳ و حسن شیخ تیمور جانشین او، خواجه احمد فندرسکی از جانب شیبک خان (۹۱۴ هجری)، زینل خان ۹۳۳ حاکم صفوی، عبدالعزیز سلطان از طرف پدر خود عبید خان خوارزمی ۹۳۵ پس از او رینش بهادر بحکومت رسید. سلطان محمد ذوالقدر بن امیر علاءالدوله صفوی حاکم ۹۷۳، صدرالدین خان استاجلو (۹۴۴ هجری) و پس از او شاه علی سلطان استاجلو که در سال (۹۵۷ هجری) وفات یافته. جانشین شاه وردی سلطان استاجلو در سنه ۹۶۲ گو کجه سلطان قاجار شد. ابراهیم خان ذوالقدر (۹۶۵ ه) خلیل خان تامدنی بعد از ۹۷۳ حاکم بود. مرتضی قلی خان پرنایک و پدر خان افشار در زمان سلطان محمد خدا بنده و اوایل پادشاهی شاه عباس اول حکام استرآباد بودند. بواسطه یک شورش عمومی در آن ایالت علیاریک ای میر، از طرف شاه عباس بحکومت آنجا منصوب گشت. جانشین وی پسرش محمد یار خان شد که بدست تر کمنها بقتل رسید و برادرش قلیچ خان بجای او نشست.

حکومت استرآباد سپس به فرهاد خان رسید و بعد از مرگ او به حسین خان زیاد اوغلو قاجار واگذار گردید. الله پار خان حاکم استرآباد در سال ۱۰۰۷ وفات

کرد و پسرش محمد یار خان جانشین او شد. فریدون خان چرکس پس از ۱۸ سال حکومت بر آن ایالت در ۱۰۳۱ وفات یافت. خسروخان، حسین خان بیگلربیگی در ۱۰۵۱ درگذشت، مهرباب خان بجای او منصوب گشت. جانشین حاجی منوچهر خان در ۱۰۷۱ جمشید خان شد. در ۱۰۸۶ محمدخان حاکم بود. بعد فتحعلی خان قاجار استرآباد را تصرف کرد و تا سال ۱۱۳۹ آن ایالت را در دست داشت و در این سال بدست شاه طهماسب دوم به تحریک نادر بقتل رسید. رحیم خان گریلی از طرف نادر تعیین و بجای او هم محمد حسین خان قاجار مدت محدودی حکومت کرد. او از طرف نادر حاکم شد. سپس محمد حسن قاجار در ۱۱۶۰ و حسین قلی خان قاجار که بالاستقلال حکومت می کردند. آغا محمدخان قاجار مستقل ۱۷۷۹.

حکام قاجاریه عبارت بودند از: فتحعلی خان که بعد شاه شد ۱۲۰۶ هـ. محمد زمان خان عزالدین لو وفات (۱۳۲۹ هجری)، مصطفی خان که بجای او در سال ۱۲۳۸ حاکم شد و سپس بدیع الزمان میرزا صاحب اختیار آمد، اردشیر میرزا ملک آرا ۱۲۵۰، فضلعلی خان ۱۲۵۱، امامقلی خان قاجار و پسرش عباس خان بیگلربیگی^۱ سلیمان خان خانان ۱۲۵۶ هـ. محمد ناصر خان محمدتقی خان، ظهیرالدوله، عباس خان بیگلربیگی، شاهرخ خان، امیر موسی خان، عباس خان بیگلربیگی، احمد میرزا، محمد رحیم خان بجنوردی برادرش جعفرقلی خان ایلیخانی در سال ۱۲۷۳ هجری بجای او نشست و در مراجعت از ماموریت سرکوبی ترکمن ها درگذشت.

عباس میرزا ملک آرا، محمدولی خان قاجار ۱۲۷۷ هجری، انوشیروان خان عین الملک ۱۲۸۰، محمدولی خان سردار ۱۲۸۱ میرزا محمدخان سپهسالار ۱۲۸۳

۱- جد مترجم این کتاب: غلامعلی فرزند مصطفی خان فرزند امامقلی خان بن عباس خان بن امامقلی خان

که در همین سال حاجی کیومرث میرزا جانشین او شد. انوشیروان خان اعتضادالدوله خانسالار، اعتمادالدوله فرزند اعتضادالدوله ۱۲۸۵ جانشین او سلیمان خان سرتیپ صاحب اختیار که پل بین شهر گرگان و آق قلعه را ساخته. حسینقلی خان درسال ۱۲۹۲ بحکومت استرآباد منصوب ولی بزودی معزول شد و صاحب اختیار بجای او نشست. جهانسوز میرزا ۱۲۹۲، مصطفی خان میرپنج ۱۲۹۶ جانشین او حبیب‌الله خان ساعدالدوله در ۱۲۹۸، یار محمدخان بجنوردی ۱۳۰۳، وجیه‌الله میرزا سیف‌المالک ۱۳۰۵، محمد ولی خان تنکابنی، ناصر السلطنه ۱۳۰۷، عبدالله میرزا حشمت‌الدوله، ناصر السلطنه ۱۳۰۹، میرزا عبدالله خان انتظام‌الدوله ۱۳۱۰ هـ ۱۸۹۳ م، کیومرث میرزا عمیدالدوله، وجیه‌الله میرزا، امیرخان سردار ۱۳۱۲، جهانسوز میرزا امیر نوبان ۱۳۱۵، ساعدالدوله ۱۳۱۶، احمد خان قاجار علاء‌الدوله ۱۳۱۷، حاجی محمد صادق خان شامبیاتی امیر توپخانه ۱۳۱۸، حاجی سلطان محمد میرزا سیف‌الدوله ۱۳۲۲، محمد علی خان سردار افخم ۱۳۲۲، نصرت‌الله میرزا، امیرخان سردار ۱۳۲۴، نصر السلطنه ۱۳۲۵.

«۱۲۱» قارن‌وند یکی از نجیب‌ترین تیره‌های هفت‌گانه ساسانیان ایران بودند که اعضای آنرا مورخان عرب «اهل‌البیوتات» میخواندند.

«۱۲۲» ابوخرزیمه در مکانهای ذیل ساخلو گذاشته بود: تمیشه، رودبار در دو فرسخی تمیشه، کوسان، اسرامیل، سامته، کوسان، زیروان در پنجاه هزار، دوآب، مهروان، اصرم، از دره، اوسرزین، اورار آباد در بالای پریچه، روا، ساری، ارتا، چپک‌رود، خرم آباد، چمنو، فریم، یزدان آباد، کولا، مامطیر، سالیان نزدیک لفور، نیشاپوریه، طبران، اسفندیار، تریچه، فتح، فصلب جابران، مسله (میله)، زرین کول، آمل، کیلان آباد بالای رانکوه پادشت، هلاوان، ناتل، بهرام ده، قراطغان بالاراه، والاشجرد، کجو، جورشجرد، سعیدآباد، کلار، حدود،

دیلم ، کوهستان دوپژم ، السعیدی .

«۱۲۳» حکام دیگر مازندران عبارت بودند از میرزا علی اصغر از طرف نادر شاه ، مقیم خان از طرف عادل شاه ، ابراهیم خان محمدخان قوانلو از طرف محمد حسنخان قاجار ، نظرخان از طرف کریم خان ، محمدخان داد و سواد کوهی و پسرش مهدی خان از جانب کریم خان ، حسینقلی خان قاجار مستقل ، زکی خان از طرف کریم خان ، مرتضی قلی خان قاجار مستقل ، آغا محمدخان قاجار مستقل ، خان ابدال خان از طرف آغا محمدخان قاجار ، آغا محمدخان قاجار مستقل و سپس حکام دیگری که از طرف او و جانشین هایش منصوب شده بودند .

«۱۲۴» اسامی ذیل چند نامی است که بآنها توانسته‌ام دسترسی یابم : ناصرعلوی برای ملاقات امیر مسعود بن سلطان محمود غزنوی در سال ۴۸۳ هجری به آمد آمد . مهدی علوی قلعه الموت را درهمان سال بملاحظه اسمعیلیه تسلیم نمود . کیا بزرگ ، داعی الحق هادی ، شاه غازی رستم رادرموقعی که سلطان مسعود برادرزاده سلطان سنجر سلجوقی بمازندران حمله کرده بود با ۵۰۰۰ تن دیالمه در سال ۵۲۱ هجری یاری نمود . کیا بزرگ داعی الحق ، رضا ابن هادی که اسپهبد اردشیر (۵۶۸-۶۰۲) ناحیه دیلم را باو اختصاص داده بود . سیدحسین ناصرمدفون در رودسر .

«۱۲۵» این جانب سکه‌ای را که بسال ۳۴۳ هجری در آمد بنام رکن الدوله ابوعلی بویه سرته ضرب شده و سکه الاستندار که در موزه بریتانیا موجود است به ابوالفضل منسوب میدانم .

«۱۲۶» هر وقت که اسپهبد فرخان بآن حدود جهت شکار میرفت رسمش این بود که چند صباحی در تن پرست که قلمرو تردوینی بود ، در همان محلی که قصر اسپهبدان فرخان و خورشید هنوز دیده میشود ، توقف و عیش و نوش کند . او در مجلس زمی با کامیابی درخواست ازدواج با دختر مسموغان را نمود و برای او در آنجا قصری

ساخت که بوسیله ترعه‌ای با دریا مربوط میگشت . اما بعد ها فرخان ازیدر زن رنجشی پیدا کرد و او را سر برید و تمام املاکش تا حدود داران را به قلمرو خود ضمیمه ساخت . رجوع شود به کتاب ابن اسفندیار صفحه ۱۰۱

ناحیه میانرود که از دار کلارود تا رودخانه مهر بان (که بنام میر بان معروف گشته است) امتداد دارد جزو ساری و حد شرقی آن قراطغان بود . رجوع شود به تاریخ مازندران تألیف ظهیر الدین ص ۴۲ . مهر وان ناحیه‌ای بود واقع در محلی هموار در کوهستان . درده فرسخی ساری قصبه‌ای بهمین نام داشته و نهر مهر وان بدون شك رودخانه کنونی نکا است . دو آب گویا قریه ای در ملتقای نهر های اسپ و نیزه و سرتنگ در جنوب پل کنونی نکا بوده است .

«۱۲۷» محلی بود در نزدیکی رودخانه هر هز معروف به دربندشینو . بدان جهت باین نام شهرت یافته بود ، که با حرب هنگامی که از جلوشکر پدرا خود منوچهر میگریخته مرزبان لاریجان در آنجا با اسپ بمیان آب زد و در آن نقطه جریان آب بسیار قوی بوده است .

«۱۲۸» بهمنشیر را اردشیر بابکان تأسیس کرد و بعد به کر جیان معروف شد . رجوع شود بتاریخ کزیده حمدالله مستوفی چاپ کیب لندن . ص ۱۰۴ ج ۱ .

صورت کتیبه های^۱ که در گیلان و مازندران و استرآباد موجود است^۲

صورت کتیبه صندوق مقبره سید علی در تبجن گو که :
کل شی هالک الاوجهه - امره الواثق الغنی محمد بن علی الحسینی فی سنة احد
وتسعين وثمانماية عمل استاد محمد یاد کار بن حاجی مسافر تبریزی .

صورت کتیبه سنگی در مسجد جامع لاهیجان
هو السلطان المتعال - حکم جهانمطاع آنکه وزیر گیلان بیه پیش بشفقت
شاهانه سرافراز گشته بداند که چون هنگامی که مهره انجم بر تخته زرنگار فلک
آبگون سیماب نمون بدست قضا چیده و کعبتین عاج نیرین جهت تحصیل نقد سعادت
کونین بنقش شش جهة گردیده گنجور گنجینه وجود بمؤدی حقانیت اقتضای قول
اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء و تعزمن تشاء و تذلل
من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شی قدیر درهم و دینار تمام عیار دولت و اعتبار ده
ورز دهی پادشاهی وفرماندهی عرصه روزگار را جهت این دودمان خلافت و امامت

۱- مؤلف «کتابه» نوشته است .
۲- کتیبه های مزبور را درست و بعین آنچه در نسخه چاپ اوقاف
کیب سال ۱۹۲۸ بوده چاپ کردیم و هرچه از اغلاط املائی و جمله بندی دیده شود معلول آنست که ما به حفظ رسم الخط
واصل متن یا بند بودیم . (مترجم)

و خاندان نبوت و ولایت در مخزن هستی در کمال تردستی محفوظ و مضبوط داشته چیه سپاس این نعمت بی قیاس و ادای شکر این عارفه محکم اساس در این عهد سعادت مهد که عذرای دولت روز افزون در آغوش ولیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدوش و اولین سال جلوس میمنت و اوان شکفتگی گلشن آمال عامه نفوس است همت صافی طوبیت معدلت گستر و ضمیر منیر مهر اضانت شریعت پرور بحکم آیه و افسی هدایه الذین مکنه‌هم فی الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و امر بالمعروف و نهوا عن المنکر و اجرای اوامر و نواهی خالق و عقل کل خاتم انبیاء و رسل بفقوای صدق اتمای اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون معطوف و مصروف داشته امر عالم مطیع شرف نفاذ یافت که بمضمون بلاغت مشحون قل انما حرم ربی الواحش ما ظهر منها و ما بطن پرده گیان پرده کشا و پرده نشین و شاهدان چهره نما خلوت گزین بوده با نامل عصیان نقاب بی شرمی از رخسار عفت ابراز نموده دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نگردیده ساکنان خطه ایمان و مقیمان دارالسعادة ایقان بمضمون حقیقت نمون یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون دست باساز دراز نکرده قبل از آنکه شطرنجی روزگار ایشان را در روز ممات مات و فیل بند حیرت و هیمنان هنگامه عرصات ساخته معلوم شود که آنچه نرده درباخته اند سالک طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروشی و بوزه فروشی ممالک محروسه را که هر سال مبلغهای خطیر میشد بتخفیف و تصدق فرق فرقدان سای اشرف مقرر فرمودیم و در این ابواب صدور عظام و علمای اعلام و فقهای اسلام و وثیقه و انیقه علیحده مودکده ابدی و طعن سرمدی که موشح و مزین بخط گوهر بنان همیون ماست بسلك تحریر کشیده اند می باید که آنوزارت پناه بعد از شرف اطلاع بر مضمون رقم مطاع لازال نافذاً فی الاقطاع و الارباع مقرر دارد که در کل محال ضبطی خود ساکنین

و متوطنین بقانون ازهر شریعت غرا و طریق اظهار ملت بیضانا هیچ منهیج صلاح و سداد بوده مرتکب امور مذکور نگردیده و بدکاران را در حضور اهالی شرع شریف و کلاتران و ریش سفیدان محلات توبه داده مرتکبین محرمات مزبوره را تنبیه و تأدیب و التزام بازیافت نموده هر گاه شخصی اشتغال بآن افعال ذمیمه نماید یا بر نهیج شنیعه دیگری مطلع گشته اعلام نماید آن شخص را بنوعی تنبیه نماید که موجب عبرت دیگران گردد و آن وزارت پناه بعلت وجوهات مزبوره چیزی بازیافت ننموده نگذارد که آفریده بدانجهت دیناری طمع و توقع نماید و خلاف کننده از مردودان درگاه الهی و محرومان شفاعت حضرت رسالت پناهی و ائمه طیبین صلوات الله علیهم اجمعین و مستحقان لعنت و نفرین ملائکه آسمان و زمین باشد و اهالی و اوباش را نیز از کبوتر پرانی و گرگ دوانی و نکهداشتن گاو و قوچ و سایر حیوانات جهت جنگ و پرخاش که باعث خصومت و عناد و موجب انواع شورش و فساد است ممنوع ساخته سد آن ابواب را از لوازم شمرند و دقیقه ای در استحکام احکام مطاعه و اشارت و اجرای اوامر شریفه فرو گذاشت ننماید و از جوانب براین جمله روند و رقم قضا شیم معدلت مضمون را بر عموم خلائق خوانده بر سنگ نقش و در مساجد جامعه نصب نماید و در این ابواب قدغن داشته هر ساله رقم مجدد طلب ندارند و در عهده شناسند نحریر آ فی شهر شوال ۱۱۰۶ .

ایضاً صورت کتیبه سنگی دیگر

در زمان فخر شاهان جهان سلطان حسین وارث ملک سلیمان خسرو مالک رقاب
روی همت از رسوم کاردارها که تافت عدل جو دستور صاحب رای طاهر انتساب
با دل شاد از خرد تاریخ او کردم طلب گفت دارد داد گر عار از رسوم بی حساب

صورت کتیبه صندوق مقبره سید رضی در بقعه شیخانبر

کلاشی هالک الاوجه هذا المرقد المنور و المضع المعطر للسید المکرم

والشیخ المعظم السيد رضی بن مهدی الحسینی الباشکجانی وانتقل فی شهر الله المبارک
رمضان اربع و ثلثین و ثمانمائه عمل استاد محمود بن شهاب الدین درود کر .

قد کان صاحب هذا القبر لؤلؤة عز لقد صاغها الباری من اللطف

عزت و لم تعرف الايام قيمتها فردها غیرة منها الى الصدف

ایضاً صورت کتیبه در بقعه مزبور :

عمل استاد یادگار درود کر سنة خمس و ثلثین و ثمانمائه .

ایضاً صورت کتیبه در دیگر .

أمر هذا الباب الفقیر سید رضی بن مهدی الحسینی الباشکجانی سنة اثنی

و عشرين و ثمانمائه

بر این درگاه این در یادگار است ز استاد احمد و از یادگار است .

ایضاً صورت کتیبه صندوق مقبره شیخ زاهد در بقعه مزبور .

كل شیء هالك الاوجه - له الحكم و اليه ترجعون - هذا المرقد للسالك

فی مسالك المعارف ذی الرياضة المرضیة المعارف العابد الشیخ الزاهد و تاریخ وفاته

بعد العصر من يوم الثلاثاء اربع و عشرين ربيع الثاني سنة احدى عشر و سبعمائة تاریخ

وفات شیخ فاضل و مقتدی الكامل شیخ الزاهد المرحوم طاب ثراه و جعل الله فی الجنة

مئواه آخر روز سه شنبه بیست و چهارم ماه ربيع الاخر سنة احدى عشر و سبعمائه -

عمل عبدالله درود کر .

صورت کتیبه در امامزاده ابراهیم در آمل .

قفل درب الكعبه بگشا یا مفتاح الابواب هذا الروضة المقدسة انهم الابرار العالم

ابو محمد ابراهیم الملقب بالاطهر و الكاظم و اخیه المعالی یحیی و امهما اللهم صل -

علی ابی و علی ابو محمد ابراهیم ابن امام الحمام الموسی حجة الله بن امام ابو جعفر

محمد التقى بن الامام الغريب المدفون بارض طوس الامام على بن موسى الرضا فى شهر
شوال ٩٢٥ .

ايضاً صورت كتيبه صندوق امامزاده مزبور

السلام على اولياء الله و اصفياؤه السلام على امناء الله و احبائه السلام على
انصار الله و خلفائه السلام على محال معرفة الله السلام على سلالة رسول الله السلام على
سلالة امير المؤمنين ولى الله السلام على ذرية المحصين فى طاعة الله السلام على المتقربين
فى مرضات الله اشهد يا مولاي ابراهيم ابن مولاي موسى ابن جعفر الكاظم انك عشت
سعيداً و مت مظلوماً و التقيت بأبائك الطاهرين و اجدادك المعصومين فاز متبعك و نجا
مصدقك و خاب و خسر مكذبك و المتخلف عنك اشهدلى بهذه الشهادة و لان اكون
من الفائزين و لعنة الله على اعدائكم و من يبغضكم اجمعين الى يوم الدين فياليتنى
كنت معكم فافوز فوزاً عظيماً العمل العاصى شيخ حاجى آقا ١١٨٧

ايضاً كتيبه در ديكر .

عقد هذا الباب على امر امام واجب التعظيم امامزاده ابراهيم ابن امام الهمام
موسى كاظم عليه السلام و الصلوة .

صورت كتيبه سنگ مقبره امامزاده سه تن در آمل .

فى شهر الله شعبان المبارك سنة اربعة عشر و خمس مائة

بسم الله الرحمن الرحيم لاله الا الله محمد رسول الله الملك لله العزة لله
الحمد لله .

هذه قبر الامام السعيد قاضى القضاة تاج الدين فخر الاسلام ابوالقاسم بن الامام
الشهيد فخر الاسلام ابوالمحاسن الرويانى قدس الله روحه .

صورت کتیبه در امامزاده مزبور .

امر بعمارة هذه البقعة الشريفة . . . سيد عز الدين ابن سيد بهاء الدين آملی .

صورت کتیبه سنگی در مسجد کاظم بیگی در بارفروش

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد خان آن سرور نیکبخت	کزو یافت امر حکومت نظام
همان مظهر عز و شأن و شرف	که شد حامل شرع خیر الانام
چو نوشیروان شد باو عدل ختم	چو حاتم در او گشت همت تمام
بر آمد ز فیض سحاب عطاش	نهال امید خواص و عوام
نموده بنائی که در وصف او	خرد خوانده ثانی بیت الحرام
ز اقبال بانی الطاف حق	چه در ملک و دین یافت عز تمام
خرد بر حسین گفت و تاریخ شد	شود ثانی کعبه حق بنام

صورت کتیبه سنگ دیگر

قصر خیر را بانی کانج جود را معمار

قبله خردمندان کعبه نکوکاران

ملك عقل را حاکم شهر و شرع را رونق

نور بخش هفت انجم شمع بزم بر ایوان

صبح گلشن دولت مهر مشرق قاجار

گلبن حلاوت را نیک بو محمد خان

با دل صفا پرور طرح مسجدی افکند

کز شکوه او شد نیک راه خیر بر کیوان

معبدی که هر طاقش جفت گنبد گردون

مسجدی که محرابش رشک از فری خوبان

کرد امر سرکاری بروصاف خان تفویض
 هر یکی گل دیگر در حدیقه احسان
 فخر صدر دین داری زبده شیخ الاسلامی
 کز قدش برازنده گشت خلعت ایمان
 کلشن قضا پرور خاصه قاضی عسکر
 کز نسیم خلق او گل شکفت در بستان
 شد چو این بنا بر پا از توجه بانی
 سر بر آسمان کردن گشت خلق را آسان
 وسعتش از آن افزون کش جهان توان گفتن
 رفعتش از آن بر تر کش نهم فلک بتوان
 شد بنام هر طاعت از ستون آن قایم
 شد تمام ز ارکانش هر نماز را ارکان
 بسکه معرفت خیزاست خاک آن بهشت امن
 بسکه طاعت انگیزاست صحن آن فلک سامان
 از هوای صحن او تربیت اگر یابد
 سجده باز می آرد نخل قامت جانان
 چون ز عقل کل طوفان خواست سال تاریخش
 گفت قبله آفاق مسجد محمد خان

۱۱۶۹

صورت کتیبه سنگ در مسجد جامع بار فروش:

در روزگاری همایون که دست ستم در زنجیر عدل بسته بود بفرمان پادشاه
 جم خدم محمد شاه قاجار عالیجاه فضلعلیخان خان حاکم مازندران شد اجاره

خبازی را بخشید هر کس مطالبه نماید بلعن ابدی گرفتار شود - مشقه محمد تقی

ایضاً صورت کتیبه دیگر :

ستوده میر محمد حسین پاک نهاد کز اوست تولیت این مکان کعبه نشان
بعهد دولت خاقان عصر فتحعلی که شد زلزله این محترم بنا ویران
ز اهتمام تمام و کمال سعیش گشت هزار بار ز اول نکوتر آبادان
(سوره سبح اسم ربك اعلى)

حرره محمد مهدی فی شهر صفر المظفر ۱۲۳۰

صورت کتیبه دری در بار فروش :

الله مفتح الابواب الله ولي التوفيق

عمل استاد احمد نجار بن حسین فی التاريخ محرم سنة سبعین وثمانماية

ایضاً

عمل سید علی ابن سید کمال الدین آملی غفر الله ذنوبهما

صورت کتیبه ای بر دیوار کاروانسرای در بار فروش

خوش است باده گلرنگ با کباب شکاری

زدست ساقی گلچهره در کنار بخاری (سنه ۱۱۱۴)

صورت کتیبه صندوق مقبره امامزاده سلطان محمد طاهر :

صاحب اختیار هذه العمارة مشهد منور مقدس مطهر امام اعظم سلطان طاهر ابن
امام موسی کاظم علیه التحية و الرضوان و بناء العمارة بامر امیر اعظم شاه معظم
امیر کبیر خلاصه اولاد سید المرسلین امیر مرتضی الحسینی طاب ثراه و جعل الجنة
مشواه بعد از شاه مرحوم امیر اعظم امیر محمد الحسینی نور الله قبره مدد دریغ نداشته اند
و بعد از مغفورین ساختن قبر پر نور از امیر زادگان عظام امیر عبدالکریم و امیر

عبدالرحیم طاب الله ثراهما و طاب مثواهما و به اتمام رسانیدن مشہد مقدس و نهادن قبر پر نور از امیر زاده اعظم امیر رضی الدین الحسینی خلد الله ملکہ و سلطانه و اوضح علی العالمین برہانہ حق باری تعالی بادمعمار ہذہ المجاور استاد مولا شمس الدین ابن نصر الله المطہری بتاریخ سنہ خمس سبعین و ثمانمائہ .

صورت کتیبہ امامزادہ ابو الحسن کلا :

عاملہا و صانعہا محمد تقی ابن یوسف دماوندی بحسب الفرمودہ سیادت پناہ محمد کاظم مشہدیان - کاتب الفقیر عبدالعظیم مہدی .

صورت کتیبہ دری در امامزادہ ابراہیم ابو الجوب در مشہد سر :

امر . . . ہذہ الباب المزار المتبرک مر ترضی الاعظم سید عزیز بن سید شمس الدین المعروف ببالکائی - عمل استاد محمد بن استاد علی النجار الرازی فی التاریخ شہر محرم سنہ احدی و اربعین و ثمانمائہ .

ایضاً صورت کتیبہ در دیگر :

صاحب الخیرات ہذا الباب و عمارة السماة بی بی فضہ خاتون بنت امیر صاعد - عمل حسن بن استاد بایزید نجار فی التاریخ سنہ خمس و تسعمایہ - کتبہ تقی الآملی - عمل علی بن استاد اسمعیل نجار الآملی المعروف برازی غفر الله علیہم اجمعین .

ایضاً صورت کتیبہ دیگر :

امر . . . ہذہ العمارة الشریفة سید السادات سید شمس الدین بن سید عبدالعزیز بالکائی - عمل استاد محمد بن استاد علی نجار رازی فی تاریخ جمادی الاول سنہ ثمان و خمسین و ثمانمائہ (۸۵۸ ہجری) .

صورت کتیبہ دیگر :

امر . . . ہذہ العمارة الشریفة سید السادات الاشراف سید شمس الدین بن سید عبدالعزیز بالکائی - عمل استاد محمد بن استاد علی نجار رازی فی تاریخ ذیحجہ

سنه سبع و خمسين وثمانماية هجرية .

انراي صورت کتیبه بقعه در مشهد سر

باني هذه العمارة الشريفة عليا حاضرة سيدة بي بي فضا خانون بنت امير صاعد حرم سلطان الاعظم سلطان امير شمس الدين طاب ثراه وجعل الجنة مثواه - عمل استاد علي بن استاد فخر الدين بن استاد علي نجار كتبه احمد بن حسين تمت في شهر محرم

الحرام سنة ست وتسعمائة هجرة النبوية عليه السلام .

صورت کتیبه امامزاده زين العابدين در ساری :

بنا و اتمام يافت اين عمارت بسعي و اهتمام اين بنده در كاه علاء الدين بن

درويش محمد ابو الوفا .

ايضاً صورت کتیبه در امامزاده مزبور :

الله ولي التوفيق الله مفتاح الابواب في التاريخ سنة اربع و تسعين و ثمانماية .

صورت کتیبه صندوق امامزاده مزبور

صاحب هذه الصندوق و المرقد المبارك الشريف السلطان الاعظم الاكرم برهان السادات و الاشراف المرحوم المغفور السلطان امير شمس الدين ابن الامير كمال الدين الحسيني طاب ثراه تاريخ وفاته يوم الاثنين خامس و عشرين شهر جمادى الثانية اربعة عشر خورداد ماه سنه خمس و تسعمائه .

صورت کتیبه پنجره امامزاده يحيى در ساری :

هذه الروضة المباركة امير الاعظم صاحب الكرامة والولاية الامامة يحيى بن موسى الكاظم عليه السلام و الثاني اخوه حسين بن الامام موسى الكاظم عليه السلام و الثالث اختهم سكينه بنت الامام موسى الكاظم عليه السلام في احد عشر شهر ربيع الاول سنة ست و اربعين و . . . مائة عمل استاد حسين و استاد محمد نجار كيل .

صورت رسالت امام جعفر در بقعه مجيد الدين مكى در ساری :

ابوعبدالله صادق بسم الله الرحمن الرحيم
يا معاشر المسلمين يا زمرة المؤمنين كثر الله امثالكم اعلموا ان الله تعالى
امركم بالصلاة والزكاة والصوم والحج والجهاد بارتكاب الحلال و باجتنب الحرام و ما
قال رسول الله صلى الله عليه و على آله بامر الله تعالى و تقدسه فتمسكوا بامر الله تعالى
النجاة في الآخرة لتكونوا من المؤمنين و وجب علينا اعلامكم بهذا الامر والنواهي
مولي الموالى مفخر الصلى والاولى مولانا مجد الدين مكى وارسلنا الى مدينتين الامل
والسارى و نواحيها فاسمعوا منه ما يقول لكم من جميع اوامر و نواهي و تعزز وجوده
بامر الله كما قال الله تبارك و تعالى اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم فى عاشور
شوال سنة ستة و ثلثين و مائه .

صورت كتيبه در امامزاده عباس در آزاد گله :

جل كل حى كه هر دم بهر فيض	بر درش روح القدس آمد فرو
مرقد شهزاده عباس شهيد	فقد كاظم آن شه با آبرو
در زمان شاه روز افزون لقب	حضرت آقا محمد آنكه او
خسرو دين پرور است و دادگر	سرور گردون شكوه و عدل جو
بر قرارش ساخت عالى گنبدى	مسجد خاص و عمارات نكو
دين پناه آقا حسين كهف الانام	تا ابد اين نام نيكو ماند از او
بهر تاريخش چو پرسيدم ز عقل	گفت بادا رحمت يزدان بر او

عمل بهرام ابن استاد محمد نجار ساروى سکنندان آبادى

ايضاً صورت كتيبه صندوق امامزاده مزبور

عمل الصندوق بسعى و اهتمام سيد مرتضى ابن سيد على بن سيد شمس الدين بن
سيد عبدالصمد بن سيد شمس الدين - بهرام نجار - تحريراً فى التاريخ ماه جمادى الاخر
سنه سبع و تسعين و ثمان مائه .

صورت کتیبہ در امامزاده نکاه

من عرف نفسه فقد عرف ربه بشر مال البخيل ذالحارث او وارث الا ينظر الي من قال وانظر الي ما قال الجزع عند البلاء تما لمن لمحتة هذه الموضع من القرية المباركة موسومة بالنكاه لصاحب الممالك هذه القرية المذكورة المرتضى المعظم والاكرم مير سيد عبدالمحيط بن (المير توانائي) اينكاد مفخر الفقراء والصلى زين المتورعين درويش سكندرابن عزالدين المعروف بابن الهدا عمل استاد حسين بن احمد الرازي غرة محرم الحرام سنه ستين و ثمانمايه .

صورت کتیبہ در بقعہ بلند امام در کلوگاہ

قال النبي عليه السلام الدنيا ساعة فاجعلها طاعة .

(امر هذا الباب سيد) زين العابدين ابن سيد اسمعيل بتاريخ ثلث و سبعين و ثمانمايه عمل حسين ابن استاد احمد نجار ساروي .

صورت کتیبہ منبر مسجد جامع استرآباد :

قد عمر هذا المسجد في ايام دولة السلطان الاعظم ملك ملوك العرب والعجم معين الدين ابوالقاسم بابر بهادر خان خلدالله تعالى ملكه وسلطانه بسعي داعي المبرات و ساعي الخيرات مظفر الدنيا و الدين بابا حسين خاندان ابي عبدالله ششم ذى قعدة سنه

قد تم في دورة السلطان الاعظم والخاقان المعظم المكرم شاه عباس الصفوي الحسيني بهادر خان خلدالله ملكه بردست بنده كمترين قطب الدين احمد بن ملاعلى الاسترآبادى في تاريخ خامس عشر من شهر شعبان المعظم يكهزار و هيجهده .

ايضاً صورت کتیبہ ديگر :

بسم الله الرحمن الرحيم

در زمان دولت و سلطنت خسرو گيتيستان شاهنشاه ايران و هند و ترکستان

و توران تعمیر این مسجد و منبر نمود اقل عبادالله حاجی قربان آقای ناظر نواب عالیجاه محمدحسینخان قاجار بیکلریگی دارالمؤمنین استرآباد امید از فیوضات ابدی و دولت سرمدی بهره مند و با نصیب باد برب العباد فی تاریخ غره ذی قعدة الحرام سنه ۱۱۵۷.

ایضاً صورت کتیبه سنگ دو مسجد مزبور :

تعمیر مسجد جامع شریف خجسته نمودند در زمان تاج بخش ملوک ممالک هندوستان و توران نادرشاه نواب عالیجاه رفیع جایگاه امیر الامراء العظام محمد حسین خان قاجار بیکلریگی دارالمؤمنین استرآباد که از رحمت خدا بهره مند باشند بسرکاری حاجی قربان آقای ناظر سرکار عالیجاه معظم الیه و فقه الله تعالی فی الدارین که از ثواب آن فایض باشند سنه ۱۱۵۷ فی تاریخ سنه الف و مائه و سبع و خمسين من الهجرة النبوية المصطفوية و السلام والاكرام . عمل حاجی محمد رضا خادم مسجد .

ایضاً صورت کتیبه سنگ دیگر :

هوالر حیم شاه عباس الحسینی

مقصود از تحریر این تقریر آنکه مبلغ چهار تومان که مقرری جماعت یساقی ولایت استرآباد داده می شد و داخل جمع ولایت مذکور بود به طریق سرشمار و خانه شمار از جماعت مذکور می گرفته اند و مراعی و مواشی ایشان منظور نمیشد ... آن دو معنی موجب تفرقه ایشان گردیده از وطن جدا شده بودند بنا بر ترفیه حال ایشان و تصدق فرق همیون مبلغ مذکور بدیشان بخشیده شد که من بعد از ایشان نستانند و آنچه مراعی و مواشی ایشان شود بطریق شمار مال ستانند توقع از حکام کرام آنکه بر این موجب عمل نمایند و تغییر دهنده بلعنت خدا گرفتار باد .

ایضاً صورت کتیبه سنگ دیگر :

هوالمستعان در تاریخ غرة شهر جمادی الثاني ۹۳۷ که حضرت سلطنت سعادی ممالک مداری ملازی عدالت دستگاهی همیون شاهي سلطان محمد ذوالقدر ابن امیر علاءالدوله بایالت و حکومت بلده استر اباد تشریف آورده اند بعضی از صاحبان مستغلات بعرض رسانیدند که آن معنی درپستی زمان خرج نبوده و این خرج بدعت است و جمیع مردم شکایت گردش فلوس کردند این هر دورا والله بالله خالصاً لله تعالی بتصدق فرق شاهي التقات فرمودند و تغییر ده فلوس شاهي پیوسته بلغنت الهی ... هر کس که این منقوله را تغییر دهد بلغنت خدا و رسول و ملائکه معصومین وائمه گرفتار باد این خیر باهتمام حضرت خواجه سیف الدین مظفر تپکچی شد .

ایضاً صورت کتیبه سنگ دیگر :

هوالمستعان بسم الله الرحمن الرحيم الحکم لله

شاه ابوالنصر ابن شاه اسمعیل بهاردوم .

وجوه آزادی حسب الحکم نواب همیون اعلى در ممالک جهان شرف بخش نفاذ یافته و با علامات کبیر و صغیر مرفوع القلم شد ساداة العظام و و کلاء الکرام و مباشرین و عاملان و کلانتران بلده استر اباد حسب الحکم عمل نموده در ولایت مذکورہ بعلت مزبورہ مزاحم نشوند تغییر دهنده به لعنت خدا گرفتار شود . سنه ۱۰۲۹ .

ایضاً کتیبه سنگ دیگر :

بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمين و الصلوة على محمد و

آل اجمعين .

اما بعد بتاريخ بیست و پنج شهر ذیقعدة الحرام سال هزار و چهل و دو هجریه وقف نمود نواب مستطاب معلى الالقب عالیجناب ایالت و شوکت دستگاه نصفت و

عدالت اکتناه ساعی خیرات وداعی مبرات الموفق بتوفیق الملك المنان عالیحضرت با رفعت خسروخان حاکم دارالمؤمنین استراباد همگی و تمامی یکباب کاروانسرا و همگی و جملگی چهاردانگ و نیم کاریزالواقعتان فی البلدة المذکوره فی میدان شور آجری ینفعهما الله الی یوم النشور برمساجد خمسہ متبر کہ مسجد جامع و مصلی و مسجد بازار و مسجد حاجی تبریزی و مسجد سفید و برچشمه جاری بر مصلی و پنج امام و برمناره شور چنانکه حاصل محلین مذکورین را بعد از خرج مایحتاج محلین مزبوره صرف تعمیر و روشنائی و خدمت محال متبر کہ شود و خادم مسجد جامع دوازده هزار دینار عراق و برای روشنائی مقدار ده من و نیم روغن کنجد خرج چراغ تا بقدر احتیاج خادم مصلی یک تومان خادم مسجد جامع پنج هزار دینار و روشنائی چهار مسجد هر یکماه چهار من روغن ، مؤذن گلدسته میدان شور دوازده هزار دینار تولیت محلین از واقف معظم الیه باشد ثم لارشاد اولاده الذکورثم لافضل العلماء و اصلح العباد وفقاً صحیحاً شرعياً تقبل الله تعالی منه عفی الله عنه خلاف کننده در لعنت و سخط باری تعالی و ملائکه و انبیاء و اولیاء گرفتار خواهد شد .

ایضاً صورت کتیبه سنگ دیگر :

الموفق ۱۷ . علی رسالت پناهی ۷۱ الهی .

سادات عظام و ارباب ذوی الاحترام و اهالی و رعایای بلده و بلوکات دارالمؤمنین استراباد بدانند که در این وقت بنا بر فاه حال و رعایت احوال جمهور رعایا که بدایع و دایع حضرت خالق البرایا اند و بواسطه تحصیل دعای خیر جهت ذات اقدس اشرف همیون وجوه کوتوالی قلعه مبارکه و قورقچیگری و راه تراشی بلوکات را که از زمان حکام سابق الی الآن مستمر و برقرار بوده از ابتداء تخاقوی نیل تخفیف و بتصدق فرق مبارک اشرف همیون مقرر نمودیم که من بعد یکدینار و یک من بار عمال دیوانی بعلت وجوهات مذکوره حواله و اطلاق نموده تغییر دهندۀ

آن به لعنت و سخط حضرت پروردگار گرفتار و مردود در گاه فلك بارگاه گردد
میباید که به شکر این عطیه عظمی بهمه ابواب امیدوار بوده لیلاً و نهاراً بوظایف
دعا گوئی دوام دولت بیزوال ابدی الامتثال اشتغال نمایند تا ثواب آن بروزگار فرخنده
آثار بندگان نواب کامیاب اشرف همایون عاید شود در این باب قدغن دانند تحریراً
فی شهر شعبان المعظم سنه خمس و خمسين و الف از بعد نبی صاحب محراب
علی است .

ایضاً صورت کتیبه سنگ دیگر :

هو - شاه صفی الحسینی بسم الله الرحمن الرحیم

فرمان همیون شد اینکه امراء عظام و حکام گرام و وزراء و داروغه گان و
کلاتران و عمال و مباشرین دیوانی دارالمؤمنین استرآباد و توابع احسن الله تعالی
احوالهم بدانند که چون همواره شاه باز همت بلند و زینت شاهین ارجمند نواب
همیون در هوای قدس سای عدل و احسان و فضای یزدان ستا بصید دلهای پریشان
عجزه زیردستان طیران بوده همگی توجه خاطر خطیر خورشید نظیر بدان مصروف
است که کافه رعایا و عامه برایا از تشبث حوادث و تجلب نوائب نجات یافته در ظل
معدلت و کنف حمایت آسوده حال و فارغ بال بدعای دوام دولت ابدی الاتصال اشتغال
نمایند لهذا شمه از عنایت بی غایت شاهانه شامل حال جمعی از رعایای ممالک محروسه
که رسوم میرشکار باشی متوجه ایشان بود فرموده از ابتدای پارس نیل رسوم مزبور
را که بدین موجب معمول است و مستمر بود تخفیف و تصدق فرق اشرف مقرر
داشته و صیادان دام گیر و کرم میز و کوه گرد و سلاخان و ماهی بریزان و ماهی گیران
و کبوتر بازان و بهله دوزان و کیسه دوزان و مرغ فروشان و روده فروشان و جگر
بریزان و سایر جماعت متعلق به قوشخانه که در وجه میرشکار باشی مقرر بوده
فرمودیم که مستوفیان عظام این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده من بعد یکدیگر

و یکمن بار حواله و اطلاق ننمایند و میرشکارباشیان عظام امر و سخنان فوق خاصه شمرده بدین علت متعرض احدی نشده و توقعی ننمایند که باید این حکم همیون لازال نافذ فی الربع المسکون بر سنگ نقش نموده در مسجد جامع نصب نمایند و بعد بدین علت از این حواله احدی مزاحمت ننموده و نرسانند نوعی نمایند که دعای خیر جهت نواب همیون خواهد شد و آثار آن بروز کار فرخنده آثار گردد باید امیرشکارباشیان عظام گرام حسب المسطور در حالی رسوم مزبور را برطرف داشته در این باب عذر ندانند و برعهده شناسند فی ششم جمادی الثانیه سنه ۱۰۴۷. ایضاً صورت کتیبۀ سنگ دیگر :

یا الله - یا محمد - یا علی - فرمان همیون شد آنکه چون حکم جهانمطاع عالی مطیع عز اصدار یافته که حکام و ارکان دارالمؤمنین استرآباد مزاحمت بحال جماعت درویشان که در بلدۀ مذکور به هیمه کشی اوقات میگذرانند نرسانند بدعتی سابق بوده که از هر يك از ایشان در هر سال دوازده خروار هیمه بجهت سرکار حکام میگرفته اند منظور بدانند بنا بر این بهمان منظور مقرر داشته از مضمون حکم مسطور تجاوز ننمایند و بقیمت دوازده خروار هیمه مذکور که سابقاً معمول بوده بهیچوجه من الوجوه طلبی ننمایند و از فرموده تخلف نورزند و هر ساله حکم مجدد نطلبند و تغییر دهنده در لعنت خدا و رسول گرفتار تحریراً فی شهر ذیحجه نهند و هفتاد و شش باعث این خیر شد .

ایضاً صورت کتیبۀ سنگ دیگر :

الحکم لله - فرمان همیون شد آنکه چون حسب الحکم جهانمطاع مال اصناف و تحرفۀ دارالمؤمنین استرآباد بتخفیف و نصفه مقرر شد بنا بر این هیچ آفریده بعلت اخراجات و عوارضات خصوصاً در کوچه از میر شب و طرح؟ و بیگار؟ و مردم و قلعه و بارو و هیمه و گاه و سنگ کش و مشتاق فتح واز طالار و طویله بناحق و علوفه -

چینان و غیره بهر اسم و رسمی که باشد از رعایا و از کوچه طلب ندارند و از مخالفت اندیشه نمایند و از فرموده تخلف نوزند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند لعنت خدا و رسول بر حاکمی و و کیلی و وزیر و داروغه و کدخدائی باد که تغییر بدهد بتاریخ نهصد و هفتاد و هفت .

ایضاً صورت کتیبه سنگ دیگر :

الموفق بتاریخ غره شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۱۵۷ وقف نمود عالیجاه رفیع جایگاه امیرالامراء العظام محمد حسینخان قاجار بیگلربیگی استرآباد سه دانگ حمام قاضی را که حاجی قربان آقای ناظر عالیجاه معظم الیه وجه آنرا اجازه گرفته صرف مسجد جامع و روشنائی نماید و تعمیر منبر مسجد نموده که ثواب آن باعث اجر و خیرات بوده باشد .

صورت کتیبه سنگی در مدرسه محمد تقیخان استرآباد

خورشید تا طالع شود زین جیب از فیروزه تل
 کیتی از او روشن شود چون رای شاه و عزوجل
 اسکندر جمشید و ش فتحعلی شه آنکه نیست
 اندر سلاطینش مثل مثل از همه بئس البدل
 خان سپهبد را همی در ملک جرجان عدل او
 کردی سپهبدار غرا گفتیش دستور اجل
 آن پیرو شرع نبی آن رهرو دین وصی
 کرده یکی مدرس بپا زانسان که نپذیرد خلل
 چون دست معمار قضا از قدرتش گیرد پناه
 ز آن پای و هم کارکن در فکرش گردید شل

بر طاق ایوانش بدر کلك قضا دست قدر
 پیوسته اینک مختصر سبحانه من لم یزل
 گفتم مگر خلد است این گفتا خرد باقهر و کین
 پاسخ خطا گفتی کز او خلد است در کسب حلال
 تاریخ اتمامش ولی از من اگر پرسى بگو
 ادريس در این مدرسه آمد مدرس از ازل

سنهٔ یکهزار و دوست و چهل و پنج ۱۲۴۵

صورت کتیبهٔ سنگ بقعهٔ شاهزاده محسن در استرآباد

خان عادل نظر علیخان کو	هست در عدل و جود بی همتا
خواست درپیش احمد مرسل	تا شود سرخ روی روز جزا
محسن آن نور دیدهٔ کاظم	کو بناحق شهید شد چورضا
مرقدش را چو دید ویرانه	کرده معمور آن جهان ستا
ساخت محزون ز بهر تاریخش	مصرع فرد آخرین بدعا
کی خداوند گار در محشر	جرم بانى بجد او بخشا

سنهٔ ۱۲۲۴

صورت کتیبهٔ تکیهٔ محلهٔ نعل بندان استرآباد

این قصر نیلگون که دم از خلد میزند	روزی که کشته گشته چو سلطان نینوا
این تکیهٔ که شورش او عرش میرود	از ناله‌های زار معجان کربلا
طاق رواق همچو سپهرش بدین سیاه	از دود آه شام اسیران کربلا
این قصر ز رنگار که گشته سیاه رنگ	از آتش یزید لعین آن سگ دغا
روزی که سروش تن آن شهسوار دین	افتاد در میان بیابان کربلا
زانروز تا بحال تمامند نوحه گر	در تعزیتسرای شهیدان کربلا

این تکیه گشت باعث بانی گریه هم چون هست ذره پرور سلطان کربلا
 یارب گناه صادق محروم ووالدش بخشا بحق شاه شهیدان کربلا
 گفتا خردنویس هزارودویست ویک تاریخ بهر تکیه سلطان کربلا

صورت کتیبه سنگ گلدسته محله سبز مشهد استرآباد

صاحب این خیرات فایض البرکات حاجی مقری بن حاجی علی البجرجانی
 سنة الف و خمسة و خمسين .

در زمان دولت گیتی ستان جم خدم
 آنکه از ذاتش سحر خورشید در کسب ضیاست

خسرو انجم حشم عباس ثانی کز خلوص

از کمین نام خدا کیوان غلام پر بهاست

یادگار مقری نیکو سیر حاجی علی

آنکه کارش دوستی آل علی شیر خداست

صاحب این گلدسته عباس نیکو محضری

قربتاً لله صدق تو بر این معنی گواست

بهر تاریخش مناسب گفت این مصرع رحیم

بهر کلباتک سلیمانی بر این عالی بناست

عمل استاد محمد شریف سنگ تراش کلبن سلطان خیر محمد حافظ یادگار

صورت کتیبه سنگی در امامزاده مرادبخش در استرآباد :

هوالموفق غرض از تحریر این تقریر اینکه در اسعد زمان و امجد دوران
 شاه دین پناه ملک خیل فلک بار گاه السلطان بن السلطان بن الخاقان بن
 الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی بهادرخان خلیدالله ملکه و سلطانه

واقاض علی البرایا بره واحسانه غلامشاه سلطان فخرالدین گو کجه حفر کاریزی که بطریق نذر واقعت داشته بنا بر اصلاح حال وسهولت احوال واوقات بومیان استرآباد که از قلت آب ذلت بی حساب میکشند امر فرموده آب کاریز مذکور را از صدق و اخلاص وقف مؤبد مخلد عام و خاص آینده و رونده بلده مذکوره نموده که صرف ضروریات عادیه خود نمایند و ثواب آنرا بذل روح مقدس و مطهر مذکی امام الجن و الانس علی بن موسی بن جعفر علیه صلوات الله الاکبر فرمود و شرط کرد که آب مذکور را در منازل اهل بلده دائر سازند و بعد از رفع احتیاج ایشان بخارج بلده مذکوره فزایند که بروح حضرت واقف مذکور نثار نمایند تغییر دهنده بلعنت ابدی گرفتار باد وقع ذلك في سنة ستين و تسعمائة .

صورت کتیبه چهارچوبه در امامزاده اسحق در استرآباد

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم الصدقة ترد البلاء و تزيد في العمر صدق رسول الله وقف هذا الباب على الروضة المنورة المعروفة بمشهد النور امير الامراء العظام الامير على بهاء الدين ابن امير كبير المعظم امير جلال الدين بايزيد الجليلية الحسيني ادام الله تعالى ظلال جلاله و لقاء لمرضاة الله تعالى و طلباً بجزيل ثوابه و كرمه و رحمة و شفاعة رسول الله و نبيه محمد و اهل البيت المعصومين و تقبل منه في شهر رجب المرجب سنة سبع و خمسين و ثمانماية الهجرية النبوية المصطفوية الهم اغفر لكاتبه و لمرقده سعي و عمل العبد حاجي محمد .

صورت کتیبه سنگی در آب انبار پهلوی امامزاده مزبور

افسوس که اهل خرد از هوش شدند	از خاطر همدمان فراموش شدند
آنان که بصد زبان سخن میگفتند	آیا چه شنیدند که خاموش شدند
ای بدرماندگی پناه همه	کرم توست عذر خواه همه

صورت کتیبه سنگی در تکیه دباغان در استرآباد

در هزار و یکصد و پنجاه و پنج وقف نمود عالیحضرت میرزا محمدباقر در مسجد واقعه در محله دباغان دارالمؤمنین استرآباد عالیحضرت واقف وقف نمود همگی یکباب خانه منقطعه واقعه در جنب مسجد مزبور و نصف یکرشته قنات واقعه در حاجی آباد که مشهور بقنات بازید است که حاصل و منافع قنات مزبوره صرف مسجد و خادم مسجد مزبور گردد تغییر دهنده به لعنت خدا گرفتار شود.

ایضاً صورت کتیبه سنگ دیگر :

بسم الله الرحمن الرحيم بتاريخ غره شهر ذی حجة الحرام هزار و یکصد و پنجاه و پنج وقف نمود عالیحضرت میرزا محمدباقر همگی یکرشته قنات دایره واقعه در قریه کوزن که منافع حاصل آن صرف تعزیه حضرت امام حسین و امام رضا صلوات الله و امامزاده عبدالله گردد تغییر دهنده به لعنت الهی گرفتار شود.

ایضاً کتیبه سنگ دیگر

ز توفیق حق بود و بخت سعید	برای رضای امام شهید
که حاجی محمدعلی کیله کرد	بنا بهر خیرات حوضی جدید
که لب تشنگان چون بدانجا رسند	بیاد آورند از حسین شهید
بنوشند آبی و لعنت کنند	بشمر لعین و یزید پلید
قضا بهر تاریخ گفتا بگو	روان لعنت حق بقوم یزید

تاریخ سنه یکهزار و ده

صورت کتیبه چهار چوبه امامزاده عبدالله در استرآباد

الهم صل علی محمد المصطفی و صل علی علی المرتضی و صل علی حسن الرضا
و صل علی الحسن الشهید بکر بلا و صل علی علی زین العابدین و صل علی محمد الباقر
و صل علی جعفر الصادق و صل علی موسی کاظم و صل علی علی ابن موسی الرضا و صل

علی محمدالتقی وصل علی علی النقی وصل علی الحسن العسکری وصل علی حجة القائم صاحب الزمان محمدالمهدی صلوات الله علیهم اجمعین لقد قال بسم الله الرحمن الرحیم انا انزلناه فی لیلۃ القدر وما ادریک مالیلۃ القدر لیلۃ القدر خیر من الف شهر تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر کیف ینشاه ابن شمس الدین المذکور من عزة و رحم فی شهر ذیقعدة الحرام من سنة خجسته ثلث و سبعین وثمانیة کتب یوسف ابن شکری الدر بندی عامله مسعود ابن حسین خان شیرازی.

ایضاً صورت کتیبہ بر دیوار صحن امامزاده مزبور

بفرق خاک و فرق فرقدان از خاک ازو زینت

بروی فرش و فرش عرش بر بالای خاک آمد

زلالشی جان فزائر از جنان زیرا که بگشاید

دلی را کز خدنگ غمزه خوبان هلاک آمد

فلک را گفتم این عرش است گفتا شرم از این نسبت

چو عبدالله در برج اخترش بس تابناک آمد

شهی کز شرم احسانش زباران ابر نیسان را

عرقها از جبینها ریخت خاک این سبک آمد

بتعمیرش سعادت مند شد عباس خان آری

از ایندر شاد رفت آن کو بجان دردناک آمد

صورت کتیبہ سنگی بر بالای دروازه دارالحکومه استرآباد

بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لك فتحاً مبيناً الحمد لله الواقف علی السرائر والضمان بعد وقف صحیح مؤید و حبس صریح مخلد فرمودند بانی بنای خیرات وضع اوضاع قربات کامکار نامدار جمشید قدر سکندر اعتبار مالک ممالک الاحسان و سالک مسالک الايمان السلطان المؤید بتأییدات الملك الغفار ابوالمظفر آقا

محمد خان قاجار تمامی عمارت و واقعه جنب انبار دارالمؤمنین استرآباد باجمیع توابع و لواحق که بانی آنها بندگان ظل الهی می باشد بر ائمه اثنی عشر علیهم السلام تا ثواب آن عاید روزگار فرخنده آثار خانی گردد خراب کننده و تغییر دهنده به لعنت خدا و ائمه هدی گرفتاری باد سنه ۱۲۰۶ .

صورت کتیبه سنگی در مدرسه آقا محسن در استرآباد :

جهان فضل و دریای کرم سر دفتر دوران
 وحید دهر آقا محسن که شد سادات را سرور
 خدیو کشور اسلام صدر مسند عزت
 بروج شرع را بیضا سپهر عدل را محور
 دلش بحری است طوفانی که میریزد از آن لؤلؤ
 کفش ابری است نیسانی که میریزد از آن گوهر
 بنا فرموده است این مدرس زیبای میمون را
 پی خشنودی حق و رواج دین پیغمبر
 چه مدرسه که چون فردوس اعلی سیم کون غرقه
 چه مدرسه که چون گردون مینایستون محجر
 بود هر غرقه اش درجی دراو رخشنده گوهرها
 بود هر حجره اش برجی در او تابنده بس اختر
 ملک چون خادمان بهر شرافت از شرف دایم
 ستاده بهر خدمتکاری این آستان بر در
 رقم زد کلك مشفق این چنین از بهر تاریخش
 بود این مدرسه میمون علم افزون دین پرور
 تاریخ هزار و دوست و چهل و یک

صورت کتیبه سنگی در مسجد قاجارها در استرآباد

خان والا نسب امامقلی	آن که بهرامش احترام نمود
از شجاعت به تیغ و گرز و سنان	رستم زال را غلام نمود
بکه رزم از مهابت او	شیر نر کم ره کنام نمود
برضای خدا چو ابراهیم	خانه کعبه را تمام نمود
و چه خانه که بر درش جبریل	سجده از بهر احترام نمود
بود محزون بفکر تاریخش	خردش ختم این کلام نمود
مصرعی ز درقم بدیبه که خان	مسجدی وقف خاص و عام نمود

تاریخ هزار و دویست و یازده ۱۲۱۱

ایضا صورت کتیبه سنگ دیگر

خان والا شکوه امام قلی	آنکه شاهیش شد باسکندر
زیب دوران و مفضل ایام	زبده ترک و دودمان قجر
بسکه با فعل نیک مایل بود	بسکه با کارخیر بودش سر
طرفه سقایه در این ماوی	ساخت بر پادشاه تشنه جگر
و چه سقایه که از رفعت	سوده سقفش بطاق گردون سر
مهر در سایه اش گرفته مکان	چرخ اندر بناش جسته مقر
خاک او را شمیم مشک تنار	آب او را صفای آب خضر
و چه گویم ز وصف آب و هواش	که بود دل گشا و جان پرور
گر بهشت است در زمین اینست	که از این نیست بقعه بهتر
زیب ار خاک روبه او را	حوریانش کشند کحل بصر
کرد محزون بیان تاریخش	زاخرین فرد مصرع آخر
در تلافی این عمل یا رب	دهدش آب ساقی کوثر

بفرموده بندگان عالی فی غره شهر محرم الحرام سنه ۱۲۱۲ کربلائی

محمد بنا .

صورت وقف نامه آب شهر استرآباد :

الموفق هوالموفق للخیرات و الصدقات الحمد لله الذی وفق عباده الصالحین
 لاشاعة انواع الخیرات و نیر لهم سلوک مراتب المبرات و اختار من عباده قوماً بعمل
 القربات و اجرى على ایدیهم ارزاق الخلائق و المؤمنات و وقفهم لاعانتهم و اسعدهم
 فی الحركات و السكنات و ضاعف لهم بفعل الخیرات الحسنات و محی و عنهم السيئات
 و الشکر على آلائه المتواصلات و نعمه المتواترات و الصلوة والسلام على افضل
 المخلوقات و اکمل الموجودات محمد المبعوث على كافة الامم بالآیات الظاهرات
 المؤید بالمعجزات الواضحات و على آله ذوی المقامات العالیات و اوصیائه اصحاب -
 الکرامات صلوات تدوم بدوام الارضین و السموات و بعد - برضا میر واقفان مواقف
 ملک و ملت و بصایر خبیران خیرات رموز دین و دولت مخفی نماند که بقواطع حجج
 و براهین مبرهن و معین شده که در مدار این دنیاى غدار و فضای سریع الفسای این
 سراى ناپایدار مقام بقا و اقامت و مکان ثبات و استقامت نیست چنانچه فرموده اند
 انما الدنيا فناء ليس للدينا ثبوت انما الدنيا كبيت نسجته العنكبوت بناچار از اینجا
 کوچ کرده به مقام اصلی که مرجع و معاد همه مخلوقات است رجوع میباید کرد
 و گذر آن مقام که دارالبقااست بر بادیه قیامت است و از درکات و عقوبات و حرارت
 صحراى چنان بعمل خیرات و ظل صدقات و خیرات نجات توان یافت بمقتضای فرموده
 سیدکاینات که ارض القیامة نارماخلاظل المؤمن فان صدقته تظله فله الحمد و المنه
 که بمیامن عنایت ازلی و محاسن هدایت لم یزلی سعادت سعایت خیرات و اشاعه مراسم
 مبرات رفیق حال و مزید اعمال است میرعالی حضرت معدلت آثار منظور انظار حضرت
 آفریدگار ناصب رایات العدل و الانصاف صاحب آیات الکرام و الالطاف مقرب الصلة

السلطانی اعتضاد الدولة الخاقانی عون الضعفاء والمساكين مربی العلماء والفضلاء مقوی الصلحاء والاتیقاء غیاث الاسلام و معین المسلمین المنظور بانظار الملك الاکبر خواجه سیف الدوله والذیوالدین مظفر ابن عالیجناب مرحمت پناه فردوس مکان جنت آشیان المغفور المبرور السعید الشہید الواصل روحه الی جوار رحمة الملك الصمد خواجه فخر الدنیا والدين احمد التیکچی تغمده الله بغفرانه و اسکنه فرادیس جنانه تابدیة تحقیق ونظر توفیق مشاهده و ملاحظه فرموده که دولت و اقبال این جهانی بر شرف زوال و عرضه انتقال است مگر آنکه اورا وسیله تقرب سازند بحضرت مهیمن علی۔ الاطلاق که ماعند کم ینفد و ماعند الله باق و واسطه بر نجات خود گردانیده اند عقبه عقوبات بموجب کلام با فرجام سید امام علیه وآله الصلوة والسلام اذامات آدم بن آدم انقطع علمه الاعن ثلث ولد صالح یدعو له بالخیر و علم ینتفع به و صدقة جاریة فی سبیل الله و مقرر است که فضل صدقات که بمرور ایام و شهور بر صحایف اعصار و دهور باقی ماند و وقف نمودن قنات و مجاری میاه قنات است که سبب حیاة و باعث زندگانی هر موجودات است که من المااء کل شیء حی بناء علی هذا عالیحضرت مشار الیه مدظله۔ العالی همت عالی نهمت بر اشاعت مثنوبات مئخر و افاضه صدقات جاریه مصروف داشته جهة دفع عطش يوم الفزع الاکبر و وقف مخلد موبد بردوام فرمود بر جمهور سکنه و عموم متوطنه بلدة المؤمنین استراباد و حوالی صانه الله تعالی عن الخلل والزلل و الفساد الی يوم التناد از اغنیاء و فقراء و ذکور و اناث و صغیر و کبیر ما اتوا الدوا و تناسلوا بطناً بعد بطن و قرناً بعد قرن قربة لله تعالی و طلباً لمرضاته و هرباً من أليم عقابه و ذخیره لیوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتى الیه بقلب سلیم از آنچه در قید تملیک و ملک خود داشت از طیب اموال خود الی یومنا هذا و آن همگی و تمامی مجرای یک حجر آب است از رودخانه خواسته رود که مشهور است به ممر حقا به قریه مذکور و ایضاً تمامی مجرای یک ربع شایع کامل است از ممر یک حجر آب از میاه رودخانه مذکور که

مشهور است بمجرای حقا به مزرعه سید اسد که معروف است و ایضاً تمامی مجرای يك دانگ و نیم است از يك حجر آب از میاه رودخانه مذ کوره که مشهور است بحقا به پادشاه قلیچه که معلوم است و ایضاً تمامی مجرای يك ربع شایع کامل از ممر يك حجر آب از میاه رودخانه مذ کوره که مشهور است بآب فیروز کوهی و ایضاً تمامی مجرای يك دانگ و نیم آب است از ممر يك حجر آب از میاه رودخانه قریه مذ کوره که از جمله حقا به عزالدین بناست که مشهور است و ایضاً تمامی مجرای يك حجر آب از رودخانه مذ کوره که مشهور است بمجرای چهار باغ که تمامی موقوفه مذ کوره ممر سه حجر آب کامل است از رودخانه مذ کوره که واقع است در خارج درب بسطام بلده مذ کوره و مراد آب مذ کوره بر هیجده حجر کامل و يك دانگ آب است که قسمت میشود بعرف و اصلاح اهل آنجا با جمیع توابع و لواحق و مضافات و منسوبات از حریم و غیره من المنبع الی المصب که میاه آن ممر آب مشروب و منفع مشارالیه در بلده مزبوره میشود و حوالی آن وفقاً صحیحاً شرعياً صریحاً نافذاً لازماً مخلداً مؤبداً الی ان یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین . و شرط کرد حضرت واقف مشارالیه تقبل الله منه که چون این میاه موقوفه مذ کوره جاری گردد در بلده مذ کوره و حوالی آن بخانه ها و حوض ها و حمام برند و بسکدیگر تعلق نماید و بهر موضع که در آید چون محفوظ گردند فی الحال بموضع دیگر گذارند و در محل تنگی آب بر زیاده از ضرورت شرب و صرف نکنند و سعی بلیغ نمایند که اهل بلده و توابع از آن محفوظ شوند و شرط کرد ایضاً که بر ممر آب موقوفه مذ کوره بهیچوجه من الوجوه از زمین و اجاره و غیره تصرف نکنند و نفرمایند و بر شرکاء رودخانه مذ کوره واجب و لازم است که به مقتضای شریعت مطهره که در حین قسمت نمودن و درك کشیدن آنچه حصه موقوفه است چیزی قاصی و منکسر نگردانند و از هول و فزع و عقوبت درك یاد کنند و شرط کرد حضرت واقف مشارالیه دام ظلّه العالی که به آب مذ کوره موقوفه

زراعت شالی نکنند در موضع حضرت مشارالیه و هیچ جا واگذارند که به مجاری مذکور به بلده مذکوره جاری گردد سبیل قضاوت اسلام و حکام عالی مقام و موالیان ذوی الاحترام و کلانتران ذوی الاکرام آنچه بموجب آیه کریمه ان الله یأمر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی و نهی عن الفحشاء و المنکر و البغی الی آخره و بمضمون کلام تمام حضرت سید انام علیه و آله و الصلوة و السلام که من سن سنة حسنة فله اجرها و اجر من عمل بها الی يوم القيمة نظر فرموده در استمرار و استقرار موقوفه مزبوره سعی بلیغی نمایند و از مقتضی حدیث صحیح حضرت نبوی علیه و آله و الصلوة و السلام که من سن سنة سیئة فعليه وزرها و وزر من عمل بها الی يوم القيمة محترز بوده نگذارند که کسی بتقلب در مجاری میاه مزبوره و خلاف شرط حضرت واقف مد ظله العالی که بدانند مخالف شرع شریف باشد عمل نمایند و اجر آنرا از حضرت ذوالجلال يوم لا ینفع البنون و المال امیدوار باشند فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدلونہ ان الله سمیع علیم و من غیره بوجه من الوجوه فهو فی زمرة من الملعونین بلعین الله و الملائكة و الناس اجمعین و بر تمامیت وقف و لزوم شرایط آن و صحت و قفیه مذکوره مشروع مشروحه حکم کرد بعد الاستخارة من الله تعالی قاضی الاسلام نافذ الامر و الاحکام مدظله بین الانام حکماً صریحاً محکماً قصاراً بهما؟ و کان ذلك فی احدى و اربعین و تسعمایه فی التاريخ شهر ربیع الاول نهصد و چهل و یک وضح و صح مضمون هذه الوقف الشرعی علی احدى و اربعین و تسعمایه و صدر الحکم المذكور بالوقفة للزوم عن العبد الفقیر الی رحمة الله الملك العلام اقل عباد الله غیاث - الاسلام عفی الله عنه و ستر و عیوبه (در حاشیه نوشته است) .

الوقف المذكور و علی النهج المسطور صدر عنی حرره العبد المذنب العاصی المحتاج الی رحمة الهادی مظفر ابن فخر الدین تپکچی الاسترآبادی غفر ذنوبه و ستر عیوبه (محل خاتم شریف واقف رحمة الله)

قطره ز آب رحمت تو بس است شستن نامه سیاه همه
 صورت کتیبه در سنگی امامزاده قاسم در خرابه شهر
 هر آنکس را که ایزد بر گزیند بیام طارم اعلی نشیند
 سعادت چون رفیق و یار باشد به نیکوئیش هم کردار باشد
 نهاده او بنای این عمارت رضای حق رسول با نجابت
 بود بر دیده ها کحل الجواهر تراب آستانت هست ظاهر
 ز هر صبح و مسا میدان تو لازم ننای مرقد شهزاده قاسم
 و بعد یکی از اولاد رفیع القدر عالیشان اچه خدا مقرب شاهنشهی نیک
 جهان مردمک محمدقلی بیک .

بعرض حضرت یوسف ستانی سجل رحمت دار الامانی
 مقدس طینتی عالی تباری معلی خصلتی احسان شعاری
 به طیب خاطرش کرده اشارت به تجدید بنای این عمارت
 بسرکاری و سعی شیخ کتبه آقا بالا عمل استاد نیارک نجار بتاریخ چهار و
 بیست و یکصد بعد الف از هجرة محمد .

صورت کتیبه در امامزاده روشن آباد

(سورة آية الكرسي تا به عمارت کلمه ولا يؤده حفظهما و هو العلی العظیم)
 شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة و اولو العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم
 اللهم صل على محمد المصطفى و امام علي المرتضى و امام حسن الرضا و امام حسين
 الشهيد بكر بلا و امام زين العابدين و امام محمد باقر و امام جعفر الصادق و امام
 موسى الكاظم و امام علي بن موسى الرضا و امام محمد التقى و امام علي النقى و امام
 حسن العسكري و امام محمد المهدي صلوات الله عليهم اجمعين مشقه ميزان الكاتب
 عمل استاد حاجي عبدالله سنة تسع و سبعين وثمانماية .

ایضاً صورت کتیبه در دیگر

(سوره آیه الکرسی) عمل استاد نصرالله سنه خمس و ستین و ثمانمایه

ایضاً صورت کتیبه در دیگر

عمل استاد کاظم بن علی نیشابوری غره شهر شعبان المعظم سنه سبع و سبعین

و ثمانمایه .

صورت کتیبه در امامزاده پنج تن در لمسک

نصر من الله و فتح قریب یا محمد یا علی مالک و صاحبه علی ابن شمس الدین

عمل استاد محمد بن یادگار ساروی عاقبت بحسین آباد کتبه علی .

ایضاً صورت کتیبه سنگی در امامزاده مزبور

به مؤمنین معلوم بوده باشد اینکه ملاشمسعلی ساکن قریه لمسک تعمیر

معصوم زاده مشهور به پنج امام نمود در سال ۱۲۲۳ .

صورت لوحه‌ای در بقعه چهار پادشاه لاهیجان

چون مشهد و در نو سید خرم کیا ماند بیباغ خلد و در منظر بهشت

واعظ که از لالی نطق و کلام اوست گوش زمانه پر زرد و گوهر بهشت

تاریخشان نگر چه مناسب فتاده است کان روضه گشته وین شده همچون در بهشت

اندر ثنای مشهد و در گفته قطعه‌ای از لطف عطر آور از او کوثر بهشت

یا غایب مفتوح الابواب افتح بخیر هذا الباب اوان دولت السلطان الاعظم فتاح

اقالیم العالم صاحب النسب النبوی والحسب العلوی ابو الفتوح شاه عباس الحسینی

الموسوی الصفوی دامت دولته فی وزارة صدر الصدور الامجد العظیم الشأن مفتاح

باب الفضل والاحسان غازی محمدخان دامت سعاده حسب الاشارة الوالی العالی الداعی

لدام دولته المقدم الباقي العبد الوحید الواعظ ابدت افادته - کتبه العبد ابن داود کیا

سنه ۱۱۰۵ - اللهم صل علی قدوة الانبیاء و قبله الاولیاء ابی القاسم محمد المصطفی وصل

على سيد الاوصياء وسيد الاصفياء على المرتضى وصل على سيدة النساء فاطمة الزهرا وصل
على سبط المصطفى الحسن المجتبى وصل على صاحب المحنة البلاء الحسين الشهيد
بكر بلا وصل على زين العباد وصل على البحر الزاخر محمد الباقر وصل على شمس الشارق
جعفر الصادق وصل على الامام العالم موسى الكاظم وصل على السيد الجواد محمد التقي
وصل على الامامين الهمامين المدفونين بسر من رأى كاشفى الضر والمحن على النقى
والحسن الزكى العسكرى وصل على الامام الهمام بقيه الله فى الانام محمد المهدي الهادى
صلوات الله عليه وعليهم اجمعين - نسب السيد الاعظم الارشد والسند الاكرم الامحمد
ذى الحساب المنيف الظاهر ولنسب الشريف الظاهر السيد السند السعيد المقبول المعلوم
المقتول المظلوم الى المحاسن السيد خرم كيا بن ابى الرضا بن على بن يحيى بن محمد بن
على بن محمد بن عبد الله بن محمد بن حسن بن محمد الطباطبائي ابراهيم بن اسمعيل
ديياج بن ابراهيم بن حسن المثنى بن الامام الحسن بن على بن ابى طالب صلوات الله و
سلامه عليهم - عمل عبد الفتاح نجار لاهجى .

ايضاً صورت لوحه در ديكر

امر بعمارة هذه البقعة الشريفة الحاج خواجه حاجى زنگيشاه الناظر فى سنة
احدى و تسعين وسبعماية - عمل استاد شهاب الدين بن استاد نظام الدين درود گير
قرونى .

ايضاً صورت كتيبه صندوقى در بقعة مزبور

هذا الصندوق المبارك الامام الهمام الناسك المرحوم الشهيد السيد خرم كيا
نور الله مرقدته و انار الله مضجعه - قتل فى شهر ربيع الاول سنة سبع و اربعين و ستمائة
الهجرية - امر بعمارة هذا الصندوق حاجى على بن شهاب الدين اللاهجى .

ايضاً صورت كتيبه صندوق مقبرة سيد رضى كيا وسيد ابى تراب در بقعة مزبور:
كل شىء هالك الا وجهه - هذا المرقد المنور والمشهد المطهر للسيد المرحوم

المغفور المنتقل الى رحمة ربه الغفور السيد رضى كنا بن الامام السيد على كيا الحسينى نورالله تعالى قبره فى اول جمادى الاولى سنة تسع و عشرين و ثمانماية من هجرة خير البرية .

هذا المرقد المنور المشهد المعطر للسيد المرحوم المغفور المنتقل الى رحمة ربه الغفور ابى تراب بن رضى بن على بن امير بن حسين بن حسن بن على بن احمد بن على الغزنوى بن محمد بن ابوزيد بن حسين بن احمد بن عيسى بن على بن حسين الاصغر بن على بن حسين بن على بن عم رسول الله صلى الله عليه وآله و سلم فى اول جمادى الاولى يوم الاثنين سنة تسع و عشرين و ثمانماية .

ندمت الهى على ما اکتسبت جهالةً
وانت غفور عبدك العفو آمل
تقيل خضوعى واعف عن خطيئتي
فانت كريم عبدك العفو سائل
كتبه حسن بن على الصالحى الجيلانى

ايضاً صورت كتيبه صندوق ديكر :

هذا المشهد المنور و المرقد المعطر للسيد السيد و الامام الشهيد المقتول المظلوم على بن امير الحسينى نورالله مضجعه .

صورت كتيبه صندوق مقبرة بقعه امير شمس الدين لاهيجانى

اين صندوق مشهد منور معطر امام زادة واجب التعظيم والتكريم امير شمس الدين الموسوى عليه الرحمة و المغفرة درسنة سبعة عشر و الف صورت انجام يافت -
كتبه سيد محمد بن داود كيا .

هو العالم بما فى الصدور و ناشر الاموات من القبور - هذا مشهد السيد السيد امير شمس الدين الحسينى رحمة الله - و وقفت هذا الصندوق خلاصة العفايف ، خان سلطان بى بى ، فى زمان تولية فخر المشايخ درويش قاسم فى سنة ١٠١٨ آية الكرسى - كتبته سيد محمد بن داود كيا .

صورت كتيبه درس تربت سمام در گيلان :

هذا المشهد المنور و المرقد المعطر للسلطان المغفور المبرور المنتقل من دارالغرور الى دارالسور و النسب الطاهر و الحسب الباقر الذى ملك ممالك الجيل و الديلم بانفاذ الامور الشرعية المصطفوية و نهى منا كير البدعة الملحدية اربن سنة و هو السلطان الاعظم الامجد السلطان محمد بل الله ثراه بمياه الرحمة و الفجران ابن السيد المعظم مالك الرقاب الامم مولا ملوك ارباب اصحاب السيف و القلم كار كيا ابن السيد ناصر كيا ابن سيد المرحوم المبرور المغفور السيد محمد بن السيد الاعظم الاكرم و هو الذى دعى مع اخيه السيد الفاضل العالم العادل المشهور بالشجاعة و السخاء امام الامة بين الورى السيد على كيا دعوة الحق على الجمهور و جرحا بالسيف رجاء لثواب الله يوم البعث و النشور و هما ابنا السيد المعظم امير كيا الملاطى ابن السيد الاجل السيد حسين ابن حسن ابن على بن احمد بن على الفزنوى ابن محمد بن ابو زيد بن حسين ابن احمد بن عيسى ابن على ابن الحسين الاصغر ابن على زين العابدين ابن الامام الحسين الشهيد المرحوم بكر بلاء ابن على المرضى صلوات الله عليه و على اولاده الطيبين الطاهرين و قد توفى السلطان المذكور المزبور صبيحة يوم الاربعاء سلخ ربيع الاول مضى سبعة عشر يوماً من ابان ماه القديم فى سنة مورخة تاريخها ثلث وثمانون و ثمانماية . عمل استاد محمود حجار قزوئى - كتبه العبد المحتاج الى الله محمود بن قطب الدين غفر الله لهما و لوالديهما .

ايضاً صورت كتيبه ديكر:

هذا المشهد المقدس النوراني و المرقد المطهر الصمداني الروحاني للسلطان الاعدل الاعلم الاكمل السيد السند الشهيد المائح التقى الوفى الكريم السخي المقبول المقتول بالسنان المحي للقرآن ما فيه من النفل و الفرض السلطان ظل الله فى الارض المغفور المتصل الى رحمت الله الملك المتعال السلطان كار كيا ميرزا على كيا المغفور

الذى قتل بالواد وهلك بالعاد و بعد القتل و الاهلاك دفن كما الفقراء و المساكين فى رحبة المسجد الجامع المبارك للنادى الرانكوئى و نبش من بعد مامضى من اليوم الذى دفن فيه من الايام العرف سنة الهالاية و الاسلامية عشرون شهراً فوجد كما دفن ولم تنفصل فيه العظم و لا العضو ولم ينقطع لكل ولى اجعل الاجرثم ان هذا المشهد المنور قد اوصى ذاك السعيد الازلى بذلك فى حال الصحة و اوان السلامة و هو ابن السلطان الاكرم السلطان محمد بن السيد المعظم كار كيا الناصر كيا بل الله تعالى ثراه بمياه الرحمة الشاملة ثم هما ابناء السيد المغفور السيد محمد ابن السلطان امجد الاجل الذى دعى مع اخيه السيد الفاضل العالم المعروف بالشجاعة و السخاء امام الامة بين الورى السيد على كيا دعوة الحق وهما ابناء السيد امير كيا الملاطى وقع ذلك الخطيب العظيم و الامر الخطير فى يوم الخميس من رمضان المبارك من شهر سنة اثنى عشر و تسعمائة هجرية .

ايضاً صورت كتيبة ديكر:

هذا الروضة المقدسة التربة المنورة الزكية التقية للحضرة المرحومة المبرورة العفيفة الفالحة السترة الصالحة المرتحلة من دارالغرور الى دارالسرور المتصلة الى رحمة الله تعالى الرحيم المنان يرى سلطان بنت السلطان محمد برد مضجعهما و نور مرقدهما واقعة هذا الموت وقعت سنة ثمان و تسعمائة هجرية .

ايضاً صورت كتيبة ديكر:

امر بعمارة هذا المشهد المبارك السلطان الاعظم خليفة المكرم و وصية فى الدين و الدنيا بين الجيل و الديلم السلطان ميرزا على خلد الله ملكه و وقف السلطان المذكور لاييه المبرور و لاجله نيالاثواب يوم البعث و النشور وفقاً صحيحاً لاصحاب الاستحقاق العبور و لمن قرأ قرآناً مجيداً فى هذا المقام ليوم الدين المشهور طلباً لغفران السلطان المسرور و لتعمير المشهد المذكور الضياع و الدور و البساتين و الدكاكين

و الحمامات الى ان يبقى السنة و الشهور ليكون ثلثا ثواب هذه الاوقاف عابداً الى روح مطهر ابيه المغفور وثلثه لاجل الواقف المزبور و نذكر الاوقاف مفصلاً انشاء الله الغفور اولا هذا المقام المبارك يقال له كشا جاك وقریه تماجان وقریه کلایه مع توابعها فی ناحية السمام و فی معمورة الرانكو عشر الاف جوف الارض من الاراضی المعمورة يقال لها نقره بجارو الحمام الكبير فی روده سر و الحمام فی تيامه جان و الحمام فی اللنجرود و اثني عشر دكاين فی لاهجان و مزرعه يحصل منها الاغراب و الاثمار فی رودبار المسماة بسطان آباد لمسرى فی سنة ثلث و ثمانين ثمانماية - عمل الاستاد حسين بن علي بن احمد المسافر .

ايضاً صورت کتیبہ دیگر:

هذا المرقد المنور و المنزل المعطر و المقام المطهر و المقر المفخم للمرحومة المغفورة السترة الصالحة العفيفة الصالحة الضعيفة المنتقلة من الدار الدنيا الى الدار العقبى الباقي المتصلة الى جوار رحمت الرب الغفور الرحيم الغفور الغني حسني برد مضجعتها و نور مرقد ها توفت المرحومة فی صفر المظفر سنة اثنين و تسعمائة هجرية .

ايضاً صورت کتیبہ دیگر

عمل الاستاد الاحد الاستاد حسين بن الاستاد علي بن الاستاد احمد المسافر البناء اللاهجاني عفی عليهم فی تاريخ سنة ثلث و ثمانين و ثمانماية هجرية .

صورت کتیبہ سنگی در مسجد جامع رشت

يا معافی - بتاریخ غره شهر شوال المکرم سنه ميمونه توشقال ثیل ۱۲۳۴ باخبار مژده و رود شاهزاده اعظم اکرم و الامحمد رضاميرزا روحنا فداه و حسب الاشارة مقرب الخاقان معتمد الدوله و بندگان منجم باشی پابندگان عموم و کدخدایان بلده رشت برای دوام دولت سلطان السلاطين شاهنشاه ايران پناه فتحعلي شاه قاجار

ارواح العالمین فداه بدعت غیر مستحسنه از بابت تکالیف یوانی بهر اسم که بر محلات ثمانیه رشت اطلاق میشود اهالی بلدان و جمیع ممالک محروسه ایران از صد گونه تکالیف این معاف و بدعت خاص این بلد بود خاصه بطیب خاطر از کل محلات برداشته موقوف داشته ایم که اهالی شهر من بعد از این مرفده الحال بدعای ذات خجسته صفات ظل الهی مشغول گردند و درین بابت عهد نامه مؤکد بلعن ابدی بمهر همه علماء رسانیده بمرقوم برسانند به اهالی شهر سپردیم که چون کاغذجات را دواسی بعلت مرور سنین و شهور نبوده که باندک مدتی قارئین این آیه عظیم که در سلطنت عظمی و خلافت کبری به حیز ظهور و صدور رسیده از خاطرها محو می گشت لهذا برای دوام و بقای این مدعا که الی قیام الساعة و ساعة القیام مقروع سمع خاص وعام گردد خلاصه مدعا را در این سخره سماة مرقوم و بر دیوار مسجد جامع منصوب ساختیم تا از تغییر و تبدیل مصون ماند توقع از مؤمنین و مقدسین آنکه چون بسر مدعا واقف بشوند پادشاه اسلام پناه را بناد ابد دعا فرمایند: بنده گر خدمت کند مزدش حق آقای اوست: چنانچه پس از تاریخ هر ذی نفسی دوباره باعث بدعت صادرات و با عوارضات گردد انشاء الله الرحمن بغضب حضرت الله و سخط جناب رسالت پناه و همدرجه قاتل سیدالشهدا باشد: من بدله من بعد ماسمعه فلعنة الله الی يوم القیامة.

صورت کتیبه سنگی در بقعه خواهر امام در رشت

السلطان ابن السلطان ناصر الدین شاه قاجار - یا حفیظ یا حافظ - پوشیده نماند که حضرت اقدس همیون این فرمانرا بخواهش فخر العلماء والمجتهدین حاجی ملا رفیع مرحمت فرموده اند - آنکه چون بشکرانه فضل و کرم والانعسم خداوند بی مثل و نظیر الذی لیس له شریک ولا وزیر خوان نعمتش در بسیط زمین گسترانیده و سایه رحمتش وجود سلاطین با فر وتمکین را زیب سریر سلطنت گردانیده دیهیم سلطنت را بوجود همایون ما مزین فرمود و تخت خلافت را بقدم

ما رشك گلشن نمود همواره خاطر خورشید اشرف شاهنشاهی بآرایش بلاد و عباد متعلق است و رأی پادشاهی را در رعایت و ولایت توجه مطلق برشته همت ملوکانه برانداخته ایم که سایه رحمت بر کافه عباد بگسترانیم و عامه انام را به نعمت رفاهیت پیورانیم تا ملک از مشمول عاطفت آراسته تر از گلشن گردد و دیده انام بفروغ معدلت خدیوانه روشن شود و وضع و شریف رعیت را دعا گوئی بقای این دولت و استدامت این شوکت ورد زبان آید از جمله از قراریکه بعرض مقیمان عتبه خلافت کبری رسید بواسطه مالیاتی که بدکاکین خبازی دارالمرز رشت از دیوان اعلی جمع است اهالی آنجا از پختن نان در خانه های خود ممنوعند و از این رهگذراز سکنه و عابرین از غریب و بومی بعلت قلت نان از کثرت عسرت تنگی واقع میشود محض مرحمت شاهانه از هذمه السنه لوی ٹیل و مابعدها برای حصول دعای دولت و توسعه معیشت اهالی از قرار همین فرمان همیون و توقیع مالیات دیوانی دکاکین خبازی دارالمرز رشت را به تخفیف ابدی مقرر و صنف مزبور را از تکالیف دیوانی معاف و مسلم فرمودیم که از این به بعد هر کس بخواهد دکان خبازی در هر جا بگشاید و نان در خانه های خود پخته در بازار بفروشد احدی قادر بر اذیت و آزار آنها نبوده باشد مقرر آنکه سلاطین خجسته آئین دولت علیه و اخلاف و اعقاب خلافت عظمی از قرار همین فرمان قضا جریان معمول داشته ابدالهر دیناری و حبه مالیات و عوارض و صادر به خبازان بلده رشت وارد نیاورند و خلاف آن را مخالف رضای خدا شمارند مقرر آنکه عالیجاهان رفیع جایگاهان حکام و مباشرین حال و استقبال گیلان حسب المقرر معمول داشته هر ساله بخرج مجری دانند الحمد لله که تمام این سنگ بسی سالات السادات العظام آقا میر ابوطالب تاجر رشتی در قزوین خلد آئین انجام گرفته - کتبه ملک محمد قزوینی فی شهر شعبان ۱۲۷۲ .

صورت کتیبه سنگی در مسجد حاجی محمدخان در رشت
 در زمان خسرو دین پرور آموزگار
 در قران فرخ کیهان خدای روزگار
 آسمان داد و دین فتحعلی شه آنکه کرد
 داد و دین را استوار از یاری پروردگار
 پاکدین حاجی محمدخان که آمد از ازل
 نیک روی و نیک خوی و نیک زای و نیک کار
 دست او دلکش سجایی آفتاب آنرا مطر
 بخت او فرخ همایی آسمان آنرا مطار
 چون بود از بهر فردوسش ثواب اندر ثواب
 چون بود در راه یزدانش نثار اندر نثار
 این همایون مدرسه وین نغز مسجد توأمان
 بهر علم و بهر ایمان کرد در رشت استوار
 در جهان ناپای داری دید افکند از خرد
 طرح بنیادی کزو مانند بعالم یادگار
 حجره اندر حجره از آن صانه الله خلدسان
 صفة اندر صفة این را لوحش الله چرخوار
 هم مدرس اندر آن ادريس دانا از میان
 هم مسیح اندر این جبریل فرخ از کنار
 الغرض چون از محمد زیور اتمام یافت
 علم و ایمان در ابان همیون روزگار

منشی طبع صبا از بهر تاریخش نوشت

کز محمد شد بنای علم و ایمان آشکار

صورت کتیبه در قدیم دارالحکومه رشت

خورشیدی و پیش تو نشستنتوان

جمشیدی و جام تو شکستن نتوان

معمار ازل که ساخت این در گفتا

کین باب هدایت است بستن نتوان

صورت کتیبه بر کلدسته مسجد ساغری سازان رشت

هو الله تعالی شانه العزیز - وقف مؤبد نمود این گل دسته را خیر الحاج حاجی
علی تاجر شیروانی بتاريخ شهر ربیع الثاني سنه ۱۲۰۴ تا ثواب آن در يوم لا ینفع
مال و لا بنور الا من انى الله بقلب سلیم عاید او گردد اللهم اغفر له و لوالديه بحرمة
محمد و آله الطاهرين المعصومین .

صورت کتیبه صندوق مقبره پیر سلیمان داراب رشت

هذا قد امر بجعل الصندوق المبارك السلطان العادل العارف قدوة الامراء
العظام انیس الخواقین الفخام المختص بعواطف الله الملك العالم المؤبد بتایدات الملك
المنان سرافراز سلطان خلد الله تعالی ظلال سعادت و رفعت و جلالت و عظمت و اقباله العالی
للمرقد المعطر و القبر المنور الشيخ الفاضل السالك الكامل المرحوم المغفور السالك
المبرور و زبده المشایخ پیر سلیمان بن حمزه دارابی الرشتی جعله الله تعالی من الآمنین
الفائزین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون فی ذیحجة سنة ثلث و خمسين تسعیة تقبل الله
تعالی من السلطان العادل مدظله العالی هذه المبرات و الخیرات و رزقه يوم القيامة
المراتب العظمی و الدرجات الكبرى خلد الله ظلال عظمت و سعادت و جلالت فی الدنيا